

# مرز در دریاچه‌های بین‌المللی

هاریتینی دیپلا  
*Haritini DIPLA*

مترجم: دکتر ابراهیم بیگ‌زاده

## ● اشاره مترجم

مرز سنگ‌بنای حقوق بین‌الملل در عین‌عامل بازدارنده توسعه آن می‌باشد. سنگ‌بنای حقوق بین‌الملل است چون که با تعیین حدود حاکمیت دولتها امکان همکاری و همزیستی فیما بین آنها را فراهم می‌نماید. عامل بازدارنده توسعه حقوق بین‌الملل است چون که با عدم تعیین آن اختلافات فیما بین دولتها ایجاد و منجر به درگیری و در نتیجه عدم همکاری و همزیستی فیما بین آنها می‌شود.

اگر در جوامع گذشته تحدید حدود کلی می‌توانست تا حدود زیادی تضمین‌کننده همزیستی فیما بین دولتها باشد، برعکس در جوامع جدید، بروز جنگ‌های جهانی و استعمارزایی اثبات نمود که وجود اصولی محکم و غیرقابل تغییر در مورد مرزها ضروری می‌نمایند. آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که مرز

همیشه جنبه ارادی دارد؛ به عبارت دیگر تعیین مرز اعم از زمینی، هوایی، دریایی، دریاچه‌ای، رودخانه‌ای ... همیشه ناشی از اراده انسانی است. این اراده باید در سه مرحله تعیین، تحدید و ترسیم تجلی یابد.

اگرچه ممکن است عده‌ای عدم وجود اراده را در تعیین مرز در زمانی که موانع طبیعی، دو یا چند سرزمین را از یکدیگر جدا می‌کنند مطرح نمایند، اما باید گفت که حتی در مورد این موانع نیز مرز همیشه جنبه ارادی و انتخابی دارد، چونکه در این موارد هم مرز با استفاده از روش یا روشهایی تعیین می‌گردد که مورد توافق دولتهای ذی‌نفع می‌باشند.

در میان موانع طبیعی در تعیین مرزها، دریاچه‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند و این اهمیت زمانی بیشتر می‌شود که این دریاچه‌ها از جهات مختلف از جمله از منابع طبیعی سرشار باشند. از آنجا که کشور عزیزمان ایران نیز با معضل تعیین مرز در بحر خزر، به عنوان بزرگترین و غنی‌ترین دریاچه جهان، مواجه است لذا شناخت رویه بین‌المللی برای تصمیم‌گیری حائز اهمیت می‌باشد. به همین جهت مقاله حاضر تحت عنوان:

"Le tracé de la frontière sur les Lacs internationaux"

از کتاب: Le régime Juridique des fleuves et des lacs internationaux

تحت نظر: Lucius CAFLISCH, Ralph ZACKLIN

از انتشارات: Martinus انتخاب و ترجمه شده است. نویسنده در قسمت اول مقاله به بررسی رویه دولتها در مورد تعیین مرز در دریاچه‌های بین‌المللی پرداخته و سپس در قسمت دوم در پی یافتن قواعد عرفی در این زمینه می‌باشد.



## مقدمه

دریاچه‌ها از دیرباز توجه انسانها را به خود جلب کرده‌اند این جلب توجه با جمع شدن در اطراف آنها و ساختن شهرها، و تلاش برای حداکثر استفاده ممکن از آبهای آنها تحقق یافته است.

دریاچه‌ها علاوه بر بهره برداری سنتی همچون کشتیرانی و صید، کاربریهای دیگری از جمله آبیاری و تولید انرژی یافته‌اند، پیشگیری از آلودگی آنها نیز خود مشکلی شده است.

امروزه اکثر دریاچه‌های واقع در میان چند دولت، پس از بحث‌ها و مشاجرات فراوان، فی‌مابین آنها تقسیم شده‌اند، این تقسیم بندی از طریق تعیین حدود، بر اساس تصمیمات متخذه توسط دولتهای ساحلی برای تعیین محدوده حاکمیت خود، انجام شده است.

عصر حاضر شاهد تلاش دولتها برای بین‌المللی نمودن آبراههایی است که از سرزمین چندین دولت می‌گذرد چونکه بین‌المللی کردن این آبراهها امکان

بهره برداریهای مشترک، اصولی تر و مقرون به صرفه تری را فراهم می نماید، مع هذا، این اندیشه که بین المللی کردن این آبراهها منجر به از میان رفتن مرزهای ملی خواهد شد صحیح نمی باشد، اگرچه این واقعیت وجود دارد که حاکمیت ملی با بین المللی کردن ممکن است مخدوش یا محدود گردد، اما شناخت حدود این حاکمیت امری اساسی و مهم می باشد. براین اساس و در پی مذاکرات (دو یا چند جانبه) است که نظامهای مشترک بهره برداری تحقق عینی می یابند.

زمانی که حدود (دولتها) بطور دقیق مشخص و تعیین شده اند مانع از بروز اختلافات ارضی می شوند؛ اختلافاتی که بسیار طولانی و به سختی قابل حل و فصل هستند. این حدود حسن همجواری و روابط حسنه را فی مابین دولتها تضمین می کنند و زمینه های لازم برای یک همکاری ثمر بخش با دولتهای همجوار را ایجاد می کنند.

حدود آبی و در میان آنها، حدود دریاچه ها از ویژگی خاصی برخوردار هستند چونکه مسأله تعریف و تعیین مرزهای واقع بر روی توده های آبی را که ثابت نبوده و از لحاظ بهره برداری هم اهمیت دارند مطرح می کند. به این دلیل تشخیص و تعریف این نوع حدود از اهمیت ویژه ای برخوردارند.

هدف این مقاله ابتدا بررسی رویه دولتها در قلمرو تحدید حدود دریاچه هاست، و سپس تلاش برای پاسخ به این سؤال می باشد که آیا قواعد عرفی در این محدوده شکل گرفته اند یا نه؟ برای این منظور، پس از مطالعه تعاریف و مباحث مقدماتی، به بررسی برخی از تحدید حدود قراردادی دریاچه ها خواهیم پرداخت، و سپس خواهیم دید که آیا این رویه قراردادی در شکل گیری قواعد عرفی که دولتها را وادار به استفاده از برخی روشها برای تحدید حدود دریاچه های بین المللی کنند، نقشی داشته است یا نه؟ و سرانجام وضعیت دو دریاچه بین المللی که هنوز تحدید حدود نشده اند یعنی بحر خزر و دریاچه کنستانس را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. مسائلی که سبب اختلاف دولتهای ساحلی دریاچه کنستانس شده اند بعد مورد بررسی قرار می گیرند.

## تعاریف و مباحث مقدماتی

## ۱- ۲. تعریف «دریاچه»

دریاچه‌ها عبارتند از گودالهای واقع در سطح زمین که در میان آنها آب جمع می‌شود.<sup>۱</sup> دریاچه‌ها از رودخانه‌ها و بطور اخص از قسمت‌های گسترده آنها به لحاظ کم یا عدم وجود میزان (دبی) آب روزانه متمایز می‌شوند. در واقع دریاچه‌ها «سفره‌های آبی کم و بیش راکدی»<sup>۲</sup> هستند به این معنا که میزان آبی که از آنها خارج می‌شود همیشه کمتر از میزان آبی است که به آنها وارد می‌شود و آن صرفنظر از سرچشمه این آبها می‌باشد.<sup>۳</sup>

معیار شوری آبها که گاهی از سوی جغرافی دانان و دکترین حقوق بین الملل برای تفکیک دریاچه‌ها از دریاها مورد استفاده قرار می‌گرفت<sup>۴</sup> از سوی نویسندگان

۲. رش.

La grande ecylopédie (paris), t. 21, p. 704 ainsi. que encyclopédia universalis (Paris, 1968), Vol.9, p.1027.

۳. رش.

P. Fauchille, Traité de droit international Public, 8e éd (Paris, A. Rousseau, 1925), t. I., 2e partie, p. 409.

۴. خواه سرچشمه آنها شط یا رودخانه، یا یخچال یا باران باشد.

۵. رش.

G.Gidel, Le droit international public de la mer (paris: Sirey, 1932-1934).

T.II, p.10 شور بودن یا نبودن آبها نیز یکی از معیارهایی است که باعث می‌شود به آنها عنوان دریا داد یا نداد. در هر حال، ابهامی در مورد نامیدن این نوع آبها، که از لحاظ جغرافیایی داخلی هستند، وجود دارد.

معاصر بدرستی رد شده است.<sup>۶</sup>

در عوض، معیاری که توسط نویسندگان برای تفکیک دریاچه‌ها از دریاها مد نظر قرار می‌گیرد سطح آبهای آنهاست<sup>۷</sup> که بالاتر یا پایین‌تر یا در هر حال متفاوت از سطح دریا است.

نکته‌ای که دانستن آن حائز اهمیت است روابط فی‌مابین دریاچه‌ها و دریاچه‌های بسته و نیمه بسته می‌باشد. دریای بسته عبارت از یک گستره آبی است که محاط در خشکی بوده و ممکن است از طریق یک مجرای آبی مانند یک رودخانه با دریای آزاد ارتباط داشته یا نداشته باشد. دریاچه‌های بسته که به نوعی «آبهای داخلی» لحاظ می‌شوند، می‌توانند با دریاچه‌ها مشابهت داشته باشند.<sup>۸</sup> برعکس اصطلاح «دریای نیمه بسته» شامل بخشی از یک دریا یا اقیانوس می‌شود که محاط در خشکی بوده اما با مابقی آن دریا یا آن اقیانوس آزادانه و بطور طبیعی از طریق یک تنگه ارتباط دارد.<sup>۹</sup> واضح است که این نوع آبها در قلمرو دریاها قرار دارند و بدین ترتیب نمی‌توانند با دریاچه‌ها مشابهتی داشته باشند.<sup>۱۰</sup>

۶. رش.

P. Pondaven "Les Lacs - frontières (paris: Ed. A.Pedone, 1972), p.12., même Gidel, op, cit, T. I, P.40. ژیدل می‌پذیرد که: این معیار فیزیکی نمی‌تواند به عنوان معیار منحصر به فرد از سوی حقوقدانان لحاظ شود: دریای مرده، دریای خزر، دریاچه بزرگ نمک نمی‌توانند، علیرغم ماهیت آبهای خود، تابع حقوق دریا باشند.

Pondaven, op. cit. p. 13; Gidel, op, cit., T. I, p.41. ۷. رش.

۸. بدین ترتیب دریای خزر، دریای آرال، دریای آزوف، دریای مرده، تابع حقوق بین الملل دریا نیستند بلکه به عنوان بخشی از آبهای داخلی می‌باشند (مانند دریای آرال و آزوف) یا تابع قواعد کنوانسیونهای منعقد شده فیما بین دولتهای ساحلی هستند مانند (دریای خزر).

۹. رش. G. Gidel, op. cit., T. I, p. 40

ژیدل معتقد است برای این که آبراه موجود میان مناطق آبی شور بتواند بخشی از دریاها تلقی شده و تابع حقوق بین الملل دریا (بی) باشد باید یک آبراه آزاد و طبیعی ... باشد.

۱۰. بنابراین دریای بالتیک، دریای سیاه و حتی دریای مدیترانه بدون شک دریا تلقی شده و دریاچه نمی‌باشند و تابع این گروه می‌باشند که گاهی اوقات به آنها دریاچه‌های «نیمه بسته» می‌گویند رش. Pondaven, op. cit., pp. 12-13

←

با توجه به مطالب پیشگفته، می توان دریاچه را اینگونه تعریف کرد که دریاچه «گستره آبی، شور یا بی نمکی است که محاط در خشکی بوده و میزان (دبی) آب آن در واحد زمان کمتر از یک واحد است و سطح آب آن متفاوت از سطح دریا بوده و ارتباط مستقیم، آزاد و طبیعی با آن ندارد». سؤالی که مطرح می شود این است که آیا این تعریف شامل برکه ها نیز می شود. <sup>۱۱</sup> به نظر می رسد که پاسخ به این سؤال بستگی به سطح آبهای آنها دارد. اگر بهنه های آبی باشند که ارتباطی با دریا نداشته و سطح آنها متفاوت از سطح دریا باشد می توان آنها را شبیه دریاچه ها دانست. <sup>۱۲</sup>

## ۲-۲. دریاچه های ملی و بین المللی

یک نوع تفکیک میان دریاچه های ملی و بین المللی در مقاله حاضر، که اختصاص به تحدید حدود دارد، به نظر کافی می رسد. البته تفکیک های دیگری نیز براساس ملاحظات اقتصادی، گاهی توسط حقوقدانان مورد استفاده قرار می گیرد، از

→

تعریف زیر در ماده ۱۲۲ پیش نویس کنوانسیون حقوق دریاها (متن مذاکره ای) مورخ ۲۷ اوت ۱۹۸۰، که توسط سومین کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریاها تهیه شده است، درج شده است. به مناطقی «دریا بسته یا نیمه بسته یا خلیج یا حوضه آبی یا یک دریای واقع بین دو یا چند دولت» اطلاق می شود که «بوسیله یک گذرگاه باریک به دریای آزاد راه دارد و بطور کامل یا قسمت اعظم آن دریای سرزمینی و مناطق اقتصادی انحصاری دو یا چند دولت ساحلی را تشکیل بدهند».

ر.ش. Doc. A/ CONF 62/W p.10 / Rev 3 تجزیه و تحلیل این تعریف که اصطلاحات «دریای بسته» و دریای «نیمه بسته» را با هم خلط می کند موضوع این مقاله نیست. (لازم به یادآوری است که این مقاله در زمانی تهیه شده است که هنوز کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ به تصویب نرسیده بود. مترجم).

۱۱. لاگون (Lagune) یک بهنه آبی است که در سواحل پست دریاچه های کم عمق در محل خلیج قدیمی که بوسیله یک کمانه سنی یا باریکه ای از ساحل از دریای جدا شده شکل می گیرد. یک آبراه گاهی آن را به دریا متصل می کند.

ر.ش. Dictionnaire encyclopédique Quillet (paris 1969), Vol K-M, p. 3702

۱۲. برای مثال دریاچه لاگون (می ریم) می باشد. ر.ش. به بعد در همین مقاله.

جمله تفکیکی که پونداون میان دریاچه های بین المللی و دریاچه های مرزی قائل شده است.<sup>۱۳</sup> «دریاچه های بین المللی، حتی دریاچه هایی که بطور کامل در داخل سرزمین یک دولت قرار دارند، دریاچه هایی هستند که از طریق یک جریان آبی بین المللی با دریا ارتباط دارند.» در حالیکه دریاچه های مرزی دریاچه هایی هستند که مرز میان دو یا چند دولت را تشکیل می دهند.<sup>۱۴</sup>

ما فکر می کنیم که چنین تفکیکی اگرچه برای مطالعه کلی تر دریاچه ها و بهره برداریهای اقتصادی از آنها مفید است اما در مقاله ما چندان اهمیتی ندارد. برای بررسی مسأله تحدید حدود، یک تعریف صرفاً سرزمینی یا جغرافیایی کافی می باشد. بنابراین ما از اصطلاح «دریاچه های بین المللی» در مورد دریاچه هایی استفاده می کنیم که سرزمین دو یا چند دولت را از یکدیگر جدا کرده یا مرز میان آنها را تشکیل می دهند و این در مقابل دریاچه های ملی است که بطور کامل در سرزمین یک دولت قرار دارند.

## ۲-۳. روشهای تحدید حدود خاص دریاچه های بین المللی

### ۲-۳-۱. تحدید حدود مصنوعی

#### ۲-۳-۱-۱. تحدید حدود نجومی:

تحدید حدود نجومی عبارت از روشی است که طبق آن خطوط تحدید کننده با استفاده از طول و عرض جغرافیایی ترسیم می شوند.<sup>۱۵</sup>

#### ۲-۳-۱-۲. تحدید حدود هندسی:

تحدید حدود هندسی عبارت از روشی است که طبق آن خطوطی

۱۳. Pondaven, op. cit., pp. 6-7. رش.

۱۴. Nations Unies, Doc. E/ECE/EP/98, 1952, p. 15. رش.

۱۵. Pondaven, op. cit. رش.

۱۶. برای مثال رجوع شود به تحدید حدود دریاچه ویکتوریا در همین مقاله.



مستقیماً میان دو نقطه مشخص یا دو نقطه‌ای که باید مشخص شوند براساس یک روش خاص ترسیم می‌شوند.<sup>۱۷</sup> در قلمرو تحدید حدود هندسی می‌توانیم ابتدا خطوط «وسطی»<sup>۱۸</sup> یا، براساس عبارت مصطلح امروزی، خط «میانی» (در مورد تحدید حدود مناطق واقع بین سواحل مقابل) و بعد خطوط منصف (در مورد تحدید حدود میان دولتهای مجاور) را قرار دهیم. باید فوراً این را هم اضافه کرد که هر دو خطوط فوق در مفهوم وسیع از نوع خطوط میانی هستند که آنها را از میان تقسیم می‌کنند.<sup>۱۹</sup> آنها، در واقع، خطوطی هستند که هر نقطه از آنها از نزدیکترین نقاط واقع در سواحل هریک از دولتها، بعد از این که خط ساحلی هر دولت (براساس جذریا مد) تعیین شد، به یک فاصله باشد.<sup>۲۰</sup>

در همین قلمرو خطوط مستقیمی هم قرار دارند که بدخواه انتخاب شده یا برای جانشینی خطوط میانی سینوسی برگزیده می‌شوند که ترسیم آنها مشکل هم می‌باشد. در این حالت حد توسط یک خط شکسته ایجاد می‌شود.<sup>۲۱</sup>

۱۷. رش.

P. De Lapradelle, *La frontière* (paris: éditions internationales, 1928), p. 180

باید متذکر شد زمانی که یک خط میان دو نقطه‌ای که براساس داده‌های نجومی تعیین شده‌اند ترسیم می‌شود، این خط همچنین یک خط هندسی است و نه نجومی.

۱۸. اصطلاحی است که در بسیاری از معاهدات قدیمی برای تعریف خط میانی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱۹. خط میانی به مفهوم گسترده خود، ساختار و پذیرش آن در حقوق دریایی و دریاچه‌ای بطور عمده حاصل کارهای جغرافی دانان دولت ایالات متحده امریکا یعنی S.W..BOGGS و شاگردانش می‌باشد. رش.

*International Boundaries. A Study of Boundary Functions and problems* (New York: Columbia university press, 1940), pp. 176-192, ainsi que S.B.Jones, *Boundary - Making: A Handbook for Statesmen Treaty Editors and Boundary Commissioner* Washington, D.C.: Carnegie Endowment for international Peace, 1945), pp. 134-148.

۲۰. رش. Boggs op. cit., p. 184.

۲۱. برای مثال رش. دریاچه‌های بزرگ امریکایی در همین مقاله.

۱-۳-۲. تحدید حدود طبیعی: خط القمر دریاچه ای و تحدید حدود ساحلی؛ خط القمر\* (تالوگ کلمه آلمانی است که معنی تحت الفظی آن «جاده دره» می باشد) یک روشی است که از حقوق بین الملل رودخانه ها به عازیت گرفته شده است. بنظر شارل روسو، دولتها دو تعریف از این روش برای تحدید حدود رودخانه ها ارائه نموده اند. یکی عبارت از «خطی است که از اتصال عمیق ترین نقاط بدست می آید» در حالیکه دیگری «خط میانی جریان آب یا اصلی ترین آبراه قابل کشتیرانی» است.<sup>۲۲</sup> از این روش بندرت برای دریاچه های بین المللی استفاده می شود چون که اکثریت آنها فاقد آبراه (خاص) قابل کشتیرانی هستند، بعلاوه، اگر خط القمری هم وجود داشته باشد، ممکن است در محلی واقع شود که برای صید و صیادی اهمیت دارد که در این حالت تعیین آن به عنوان مرز، صید در دریاچه را با موانع و مشکلات جدی روبرو می کند.

تحدید حدود ساحلی هم از جمله تحدید حدود طبیعی محسوب می شود چون که یک عامل طبیعی یعنی ساحل دریاچه، حد نهایی حاکمیت یک دولت و شروع حاکمیت دولت دیگر را مشخص می کند، در این حالت دریاچه بطور کامل به یکی از دولتهای ساحلی تعلق دارد و دولت دیگر دسترسی به آن نخواهد داشت. تحدید حدود ساحلی که در قدیم توسط قدرتهای استعماری بطور وسیع و گسترده در آفریقا و امریکای لاتین مورد استفاده قرار می گرفت، امروزه بندرت کاربری دارد.<sup>۲۳</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\*. تالوگ Thalweg.

۲۲. Ch. Rousseau, Droit international Public (Paris, Sirey, 1977), T. III, P.225.

۲۳. دریاچه های واقع در سرحد کنگو (دریاچه های آلبرت و ادوارد)، در اولین مرحله، با استفاده از روش حد ساحلی تحدید حدود شده بودند؛ دریاچه مالایو هم همین وضعیت را داشت. دریاچه مالایو یکی از موارد نادر تحدید حدود با استفاده از روش حد ساحلی است که هنوز هم وجود دارد. رجوع شود به همین مقاله.



## تحدید حدود قرار دادی دریاچه‌ها

### ۱-۳. دریاچه‌های اروپایی

#### ۱-۱-۳. دریاچه لمان\* یا ژنو:

دریاچه لمان با مساحت ۵۸۱/۵ متر مربع و به شکل کشیده می‌باشد (نقشه شماره ۱). رودخانه رن (Rhône) از این دریاچه عبور می‌کند که هم تأمین کننده آب و هم مجرای آبی آن محسوب می‌شود. این دریاچه دو دولت فرانسه و سوئیس را از یکدیگر جدا می‌کند.

معاهده داوری که در ۳۰ اکتبر ۱۵۶۴ در لوزان میان دوک ساووا (Savoie) و شهر برن منعقد شده بود اشعار می‌داشت که «وسط دریاچه» خط میان دو کشور را تشکیل می‌دهد.<sup>۲۴</sup> این حد در معاهده واگذاری و مرزها منعقد در ۱۶ مارس ۱۸۱۶ در تورن (Turin) میان ساردنی (Sardaigne) و سوئیس نیز مورد تأیید قرار گرفت. ماده یک این معاهده اشعار می‌داشت: «البته ... مالکیت دریاچه تا وسط عرض آن .... به کانتون ژنو تعلق دارد».<sup>۲۵</sup> مع‌هذا این حد بصورت خطی بر روی آبهای دریاچه مشخص نشد، علت آن این بود که طرفین در مورد گستره عبارت «وسط دریاچه» توافق نداشتند. سرانجام کنوانسیون فرانسه - سوئیس مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۳ در مورد تحدید حدود مرز در دریاچه لمان است که این مسأله را

\*. Lac Léman.

۲۴. ماده ۲۰ معاهده نقل شده توسط پ. پونداون «وضعیت بین المللی دریاچه لمان» در R.G.D.I.P. p. 78, 1974, pp. 63-64 اشعار می‌دارد که «وسط دریاچه باید حد این دریاچه باشد.

۲۵. برای متن معاهده تورن رش.

C.Parry, éd., Consolidated Treaty Series (ci-après:CTS), Vol. 65 (1815-1816) p. 448.

بصورت قطعی حل می‌کند. ماده ۱ این معاهده پیش بینی می‌کند:

**ماده ۱:** خط مرزی در دریاچه لمان متشکل از یک خط میانی و دو خط جانبی بر هر مانس (Hermance) و سن - ژینگولف (Saint - Gingolph) است. خط میانی از لحاظ نظری توسط مراکز دوایری توصیف می‌شود که میان سواحل سوییس و فرانسه واقع می‌شوند. مع‌هذا این خط نظری به دلایل عملی با یک خط شش گوشه جایجا شده است که جبران کننده تفاوت سطوح می‌باشد.

**ماده ۲:** در خطوط جانبی، مرز توسط دو خط عادی بر خط میانی که بسوی پایین دریاچه ترسیم شده و به ساحل هرمانس و سن - ژینگولف ختم می‌شوند مشخص می‌گردد.

مشکلی که دو دولت ساحلی مجبور به حل آن بودند فقط محدود به ترسیم خط میانی (که تعیین کننده مرز آنها در حالاتی است که سواحل آن در مقابل یکدیگر قرار دارند) نبود بلکه همچنین مشکل دو خط جانبی بود که باید خط میانی را به خشکی در نواحی هرمانس و سن - ژینگولف متصل می‌کردند. "در مورد اخیر، مواضع دو دولت با یکدیگر هماهنگی نداشت سوییس خواهان ترسیم دو خط عمود بر ساحل بود که سبب می‌شد بیشترین آب به آن کشور تعلق یابد، در حالیکه فرانسه پیشنهاد می‌کرد که خط جانبی ادامه خط القعرهای دو رودخانه هرمانس و مورژ (Morge) تا تلاقی آنها با خط میانی باشند."

آنچه که کنوانسیون ۱۹۵۳ به عنوان راه حل پیش بینی کرده و بر روی نقشه شماره یک رؤیت می‌شود در واقع خط میانی تقریبی یا ساده‌ای است (چون که بصورت خط گوشه دار درآمده است) که برای تعیین بخش مرکزی لحاظ شده است.

۲۶. رش. R. G.D.I.P, 64 (1960); 442

۲۷. برای دانستن تاریخ کامل حوادث و اعلامیه های فرانسه و سوییس که قبل از این تحدید حدود صادر کرده اند رش. Pondaven, op. cit., no 24, pp. 60-120

\* دو رودخانه هرمانس و مورژ رودخانه های هستند که به دریاچه لمان می‌ریزند.

۲۸. رش. Ibid., pp. 67-69

دو خط عمود بر خط میانی نیز این خط را به دو نقطه‌ای که تشکیل دهنده مرز خشکی فرانسه و سوئیس در ساحل دریاچه هستند وصل می‌کنند. بنابراین مشاهده می‌شود که راه حل خط میانی برای تعیین کل مرز دو کشور مورد استفاده قرار نگرفته است چون که دو خط جانبی خطوط منصف میان سواحل مجاور دو دولت نیستند.

### ۲-۱-۳. دریاچه لوگانو و دریاچه هازور\*

دریاچه لوگانو در مرز ایتالیا و سوئیس بشکل نعل اسب قرار دارد، که بازوی شرقی آن بلندتر از بازوی غربی آن است. (نقشه شماره ۲).

طبق مفاد معاهده منعقدۀ فی مابین کانتونهای سوئیس و اتریش در وارز (Varèse) در ۲ اوت ۱۷۵۲ بخش شرقی دریاچه، که بطور کامل در خاک ایتالیا محاط می‌باشد، در تحت حاکمیت ایتالیا قرار دارد. طبق همین معاهده، بخش مرکزی این دریاچه، که در سرزمین سوئیس قرار دارد، (بجز قطعه ایتالیایی کامپیون (Campion) تحت حاکمیت سوئیس می‌باشد. در حالیکه بخش غربی، یعنی جاییکه دریاچه مرز میان دو کشور را تشکیل می‌دهد، توسط خطی از وسط آنها فی مابین دو کشور تقسیم شده است.<sup>۲۹</sup>

مع هذا معاهده وارز بسیار مبهم می‌باشد. به همین علت مرز ایتالیا - سوئیس در این منطقه سرانجام با انعقاد کنوانسیون در ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ برای تعیین مرز میان رون دو (Run Do) یا چیمما گاریبالدی (Cima Garibaldi) و لومون دولان (Le Mont Dolent) فی مابین سوئیس و ایتالیا بطور دقیق مشخص گردید.<sup>۳۰</sup> طبق

\*. Le Lac de Lugano et le Lac Majeur.

۲۹. رش. CTS. Vol 39 (1750 - 1752), p.459 حدّ تعیین شده روی نقشه های ضمیمه معاهده مشخص شده است اما در مجموعه Parry به چاپ نرسیده اند.

۳۰. رش. Recueil officiel des lois et ordonnances de la confédération Suisse. 1942, p.997. (ci -- après: Ro) به علاوه مرز ایتالیا و سوئیس در این منطقه موضوع هفت کنوانسیون بوده است که بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۷۲ تصویب و مرز تعیین شده در کنوانسیون ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ را دستخوش اصلاحات جزئی نموده اند.

مقررات این کنوانسیون لاگوپرومیسکو (Lago promiscuo) (بخش غربی دریاچه) توسط یک خط میانی تقریبی فیما بین دو دولت تقسیم شده است.<sup>۳۱</sup>

در بخش مرکزی دریاچه لوگانو منطقه کامپیون (Campion)، که قسمتی از آن خشکی و قسمتی از آن آبی است، قرار دارد. کمون کامپیون، که هدیه شارل مابین (Charlemagne) به بنیاد سان آمبروزیو (San Ambrosio) در میلان<sup>۳۲</sup> می باشد و در ساحل شرقی دریاچه واقع شده است، همیشه از سوی سوییس به عنوان منطقه ای واقع در خاک آن کشور اما متعلق به ایتالیا لحاظ و اعلام شده است. مرزهای این منطقه بوسیله کنوانسیون مورخ ۵ اکتبر ۱۸۷۱ منعقد فی مابین سوییس و ایتالیا در مورد تحدید حدود مرز میان لومباردی (Lombardie) و کانتون تسن (Tessin) در خصوص برخی نقاط مورد اختلاف تعیین و مشخص شده اند.<sup>۳۳</sup> طبق مقررات این کنوانسیون مرز در دریاچه فی مابین دو کشور توسط خط میانی مشخص شده است، چونکه اصل مندرج در معاهده وازر اعمال می شود که طبق آن (آنجا ئیکه دو ساحل یکی از آن ایتالیا و دیگری از آن سوییس است)<sup>۳۴</sup> مرز وسط دریاچه قرار می گیرد.<sup>۳۵</sup> دریاچه هاژور با طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۴ کیلومتر بوسینه مرز ایتالیا -

سوییس به دو بخش نابرابر تقسیم شده است که بخش سوییسی آن ۴۵ کیلومتر مربع و بخش ایتالیایی آن ۱۸۰ کیلومتر مربع می باشد (نقشه شماره ۳).<sup>۳۶</sup> مرز که توسط معاهده وازر مورخ ۱۷۶۲ و کنوانسیون ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ برقرار شده است در بخش

۳۱. ما از بخش حقوق بین الملل عمومی دبیرتیمان فدرال امور خارجه به لحاظ اطلاعات داده شده و هم از بخش توپوگرافی فدرال برای اطلاعات دقیق و نقشه هایی که در اختیارمان گذاشته اند بی نهایت سپاسگزاریم.

۳۲. رش. Pondaven, pp. cit., n<sup>o</sup> 6, p. 112.

۳۳. رش.

Recueil systématique des lois et ordonnances, 1847 - 1974 (ci- après: R.S.), Vol, 11, 9, p.91.

۳۴. رش. Ibid, p. 92.

۳۵. ما در این مقاله مسائل مربوط به ترانزیت و عبور را بررسی نمی کنیم، این هیچ رابطه مستقیمی با تحدید حدود ندارد.

۳۶. رش. Pondaven, op. cit., n<sup>o</sup> 6, p. 75.

مرکزی خود، بوسیله خط میانی تعیین شده است. این خط میانی بوسیله دو خط جانبی به دو نقطه ای که مرز خشکی را در دو ساحل دریاچه نشان می دهد متصل شده است. این دو خط بطور دلخواه ترسیم شده اند؛ آنها نسبت به خط میانی، یعنی نسبت به بخش مرکزی مرز، نه عمود هستند و نه جنبی. مجموعه حدودی که بدین ترتیب مشخص شده است در یک خط ساده خلاصه نمی شود که «هدف اصلی اش اتصال نقاط مرز خشکی واقع در سواحل دریاچه باشد».<sup>۳۷</sup> بلکه یک خط شکسته ای است که با استفاده از روش ترسیم خط میانی برای بخش مرکزی کشیده شده و بوسیله دو خط جانبی که به دلخواه انتخاب شده اند به نقاط مرز خشکی متصل شده است. بنابراین حد تعیین شده در دریاچه هازور که در نقشه شماره ۳ دیده می شود مطالب پ. پونداون (P. Pondaven) را که این حد چیزی جز یک «ضمیمه» از حد خشکی نیست نقض می کند. در واقع حد تعیین شده در دریاچه هازور یک مرز مستقل و جدا از مرز خشکی است؛ مرزی است که توسط روشهای خاص تحدید حدود آبی و برای بخش مرکزی آن، بوسیله روش خط میانی، تعیین شده است.

### ۳-۱-۳. دریاچه های بالکان (اسکوتاری، پرسپا و اوچریدا)\*

مسأله تعیین حدود در این سه دریاچه (اسکوتاری، پرسپا و اوچریدا بطور محسوسی با مسأله مرزهای آلبانی ارتباط دارد (نقشه شماره ۴).<sup>۳۸</sup> دولتهای بالکان در ۱۹۱۳، بعد از پیروزی در مقابل ترکها در جریان جنگهای بالکان، مسأله تعیین مرزهای آلبانی را به شش ابرقدرت اروپایی سپردند. معاهده صلح ۳۰-۱۷ مه ۱۹۱۳ لندن منعقد فیما بین یونان، بلغارستان، مونته نگرو و

۳۷. رش. Ibid., pp. 75-76.

\*. Les Laes des Balkans (Scutari, Prespa et Ochrida).

۳۸. رش. Ibid., p. 76 همچنین رش. به آنچه این نویسنده در صفحه ۱۲، شماره ۲۱۲ کتاب خود پذیرفته است.

صربستان از یک سو و ترکیه از سوی دیگر پیش بینی می کرد که «تحدید حدود مرزهای آلبانی و سایر مسائل مرتبط با آلبانی» توسط آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، روسیه و اتریش - مجارستان حل خواهند شد.

بدین ترتیب کنفرانسی با حضور سفرای شش قدرت فوق در لندن تشکیل و دو کمیسیون تحدید حدود ایجاد نمود که به ترتیب مسؤول تعیین مرزها در شمال و جنوب آلبانی شدند. کمیسیون مسؤول تعیین مرز جنوب فی مابین یونان و آلبانی کارهای خود را به پایان رساند و نتایج آن کارها در پروتکل فلورانس مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۱۳ درج گردید. بخش مرزی که توسط این کمیسیون مشخص و تعیین شد در برگیرنده دریاچه ها نبود. شروع جنگ اول جهانی مانع پایان یافتن کارهای تحدید حدود و تعیین مرز توسط کمیسیون دیگر، که مسؤول تحدید حدود مرزی فی مابین آلبانی از یک سو و مونته نگرو صربستان از سوی دیگر بود، شد.

کنفرانس سفرا، پس از پایان جنگ اول جهانی، کارهای خود را از نو آغاز کرد و یک کمیسیون بین المللی مسؤول تحدید حدود مرزهای آلبانی ایجاد کرد. این کمیسیون این بار مسؤول تحدید حدود و تعیین مجموعه مرزهای آلبانی براساس کارهای سال ۱۹۱۳ شد. این کمیسیون متشکل از سه عضو از کشورهای فرانسه، انگلیس و ایتالیا از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۵ تشکیل جلسه داد که نتایج کارهایش در دومین پروتکل فلورانس مورخ ژوئیه ۱۹۲۶ درج گردید.

براساس پروتکل ۱۹۲۶، سه دریاچه مورد نظر، بخشی از مرز را تشکیل

۳۹. رش.

G.F. de Martens, Nouveau Recueil Général de Traité (ci - après NRG), 3<sup>e</sup> série, Vol. 8, p. 16.

۴۰. رجوع شود به ماده ۳ معاهده.

۴۱. برای تاریخچه رش.

Office of Geography, Department of State, in International Boundary Studies, Albania - Greece Boundary, n<sup>o</sup> 113, et Albania - Yougoslavia Boundary, n<sup>o</sup> 116 (Washington, D.C. 1971).

۴۲. رش.

Commission internationale de délimitation des frontières de l' Albanie protocole de délimitation, avec 10 annexes (florence, 1926).



می دهند: ۳۳

حد دریاچه اسکوتاری، واقع بین آلبانی و مونته نگرو، بشرح زیر تعیین گردید:

«... سپس مرز به سمت پایین تا دریاچه اسکوتاری که فیما بین دهکده زگویی (Zogai) متعلق به آلبانی، و دهکده اسکیا (Skya) متعلق به پادشاهی صرب، کروات و اسلونی کشیده می شود. بدین ترتیب مرز از سواحل ۳۵۴، ۲۱۱، ۳۲ و ۱۷ می گذرد. مرز از آخرین نقطه، بوسیله یک خط عادی ساحلی، به سمت وسط دریاچه رفته و تا رسیدن به خط مستقیمی که بوسیله تأسیسات اسکوتاری در جنوب شرقی و قلّه ورا نینا (Vranina) در شمال غربی دریاچه مشخص شده ادامه می یابد، مرز بوسیله این خط بسوی شمال غربی تا نقطه ای ادامه می یابد که از آنجا عمود بر این خط از نقطه تلاقی خط القعر (تالوگ) خور لیچنی هوتیت (Litcheni Hotit) با خط مستقیمی که بوسیله دو علامت نصب شده بر مصب خور مشخص شده می گذرد. مرز دوباره در جهت تالوگ خور، تا ارتفاع تقریباً ۱۴۰۰ متری جنوب غربی هونی - هوتیت (Honi - Hotit) بالا می رود؛ مرز، در آنجا با تغییر جهت به سمت شمال - غربی بطور طبیعی به ساحل شمال - غربی خور یعنی ساحل ۲۲۳ رسیده و از آنجا بسوی ساحل ۴۰۹ بارلایی (Barlai) می رود».

بنابراین مرز ایجاد شده ترکیبی است. بدین ترتیب که در بخش جنوبی هندسی است چونکه تا مدخل ورودی خور لیچنی هوتیت متشکل از خطوط مستقیمی است که به اشکال مختلف مشخص شده اند، و از این نقطه، خط القعر (تالوگ) دریاچه مرز را تشکیل می دهد و سپس در ادامه، با تغییر جهت، بوسیله خطی عمودی به ساحل می رسد.

دریاچه اوچریدا بترتیب زیر تحدید حدود شده است:

«مرز بطور طبیعی از ساحل دریاچه در نزدیکی ساحل ۷۰۱ آغاز و تا رسیدن

۳۳. رش. Ibid, Annexes (Description générale de la frontière), pp. 18-21.

۳۴. رش. Ibid., p.18.

۳۵. در مورد تالوگ دریاچه ای بطور کلی رجوع شده به همین مقاله.

به خط مستقیمی که کلیسای بوگورودیتسا (Bogoroditsa) را به ساحل ۷۲۰ واقع بر بلندی در فاصله ۷۵۰ متری، تقریباً در غرب سن ناووم (St - Naoum)، متصل می‌کند ادامه می‌یابد. مرز توسط این خط تا ساحل ادامه دارد.<sup>۴۶</sup>

ما، در اینجا، یک مرز کاملاً هندسی مرکب از خطوط مستقیم داریم. حال به حد در دریاچه پرسپا بشکلی که در پروتکل ۱۹۲۶ فلورانس مشخص شده است نظر می‌افکنیم:

«حد به لبه دریاچه پرسپا تا ساحل ۸۶۱ می‌رسد. سپس این حد از ساحل دور شده و در داخل دریاچه نصف النهاری را پی می‌گیرد که از این نصف النهار آن ساحل و دو نقطه ۱ و ۲ واقع در بخش ۱ مرز یونان - آلبانی عبور می‌کنند. بدین ترتیب نقطه مشترک سه دولت آلبانی، یونان و پادشاهی صربستان، کرواسی و اسلونی در آبهای دریاچه پرسپا، در جنوب - جنوب شرقی جزیره ولیکی گراد (Veliki Grad) که متعلق به پادشاهی صربستان، کرواسی و اسلونی است، قرار می‌گیرد.<sup>۴۷</sup>»

مرز بین یونان و آلبانی قبلاً در ۱۹۲۵ توسط همین کمیسیون مشخص شده بود و آن خطی است که، از نقطه مشترک (سه دولت) واقع در جنوب شرقی جزیره ولیکی گراد شروع و با دنبال نمودن عرض جغرافیایی  $39^{\circ} 18'$  بسوی قله کوه ویسارویوی (Vissaroyivie)، نقطه ۱۲۱۴، واقع در ساحل جنوبی دریاچه می‌رود. مرز میان یوگسلاوی و آلبانی خطی است که، از همان نقطه مشترک (سه دولت) شروع می‌شود و با دنبال نمودن طول جغرافیایی  $20^{\circ} 51' 40''$  تا ساحل شرقی دریاچه ادامه می‌یابد.

در اینجا از روش تحدید حدود نجومی استفاده شده است چونکه خطوط مستقیم طول و عرض جغرافیایی را دنبال می‌کنند که یکدیگر را در نقطه مشترک

۴۶. رش. ۲۱، op. cit., Annexe 3, Protocole de délimitation.

۴۷. رجوع شود به منبع قبلی.

۴۸. رش. Ibid، صفحه شماره ۱۱ (نقشه) منضم به پروتکل مربوط به تعیین کامل مرز در دریاچه پرسپا.

(سه دولت) قطع می کنند. مرز جزیره ولیکی گراد را، که یوگسلاوی آن را برای خود حفظ کرده است، در نظر می گیرد.

بطور کلی، تحدید حدود سه دریاچه بالکان نه با استفاه از روش خط میانی، بلکه بر اساس روشهای مختلف انجام شده است. مرز در این دریاچه ها کم و بیش خطوط مستقیمی هستند که یا عمود بر ساحل بوده یا عمود بر یکدیگر می باشند.

## ۲-۳. دریاچه های بزرگ امریکای شمالی

اصطلاح «دریاچه های بزرگ» شامل دریاچه هایی می شود که تشکیل دهنده مرز میان کانادا و ایالات متحد امریکا می باشند، بخصوص دریاچه دبوآ (Des Bois) (نقشه شماره ۵)، دریاچه های سوپریور (Supérieur)، (نقشه شماره ۱۶) هورون (Huron) (نقشه شماره ۷)، اریه و سن-کسر (Erié , St - Clair) (نقشه شماره ۸) و انتاریو (Ontario) (نقشه شماره ۹) که بوسیله یک شبکه از رودها و کانالها به یکدیگر راه داشته، از طریق رودخانه سن لوران (St - Laurent) با اقیانوس اطلس ارتباط دارند. این دریاچه ها با مساحتی حدود ۱۰۰۰۰۰ مایل مربع آب بزرگترین مجموعه دریاچه های مرزی را تشکیل می دهند.

در معاهده صلح پاریس مورخ ۳ سپتامبر ۱۷۹۳ که پایان بخش جنگهای استقلال طلبانه امریکاست دو کشور انگلستان و ایالات متحد امریکا پذیرفتند که دریاچه های بزرگ تشکیل دهنده مرز طبیعی فیما بین امریکا و کاناداست.<sup>۴۹</sup> طبق این معاهده «میانه آبا» (بجز دریاچه سوپریور و دریاچه دبوآ) مرز میان دو دولت را تشکیل می دهد.<sup>۵۰</sup> معاهده صلح ۱۷۸۳ مبنای حقوقی کلیه مذاکرات بعدی برای

۴۹. رش.

W.M. Malloy, Treaties, Conventions, International Acts, Protocols and Agreements between U.S.A. and other powers 1776 - 1909 (Washington D.C. Government printing office, 1910), Vol. I, p.586,

۵۰. رش. ماده ۲.

تعیین دقیق مرز قرار گرفت، مذاکراتی که بیش از یک قرن به طول انجامید. در واقع اصطلاح «میان‌آبها» برای اجرا در این منطقه بسیار مبهم است چونکه عدم وجود کامل داده‌های نقشه برداری و وجود ادعای حاکمیت از سوی دو دولت بر جزایر فراوان واقع در منطقه سبب مشکل بودن تحدید حدود در این منطقه می‌شد. این مشکلات سرانجام در معاهده صلح و دوستی گاند (Gand) در ۲۴ دسامبر ۱۸۲۴ حل شدند.<sup>۵۱</sup> بخصوص این معاهده کمیسیون متشکل از دو عضو (کمیسر) ایجاد نمود که مسؤول مشخص نمودن معنای اصطلاح «میان رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و ارتباطات آبی» و تعیین تعلق حاکمیت بر برخی از جزایر شد.<sup>۵۲</sup> دو کمیسر در مورد تحدید حدود بخش شرقی مرز که از رودخانه سن-لوران شروع تا آبراه متصل کننده دریاچه‌های هورن و سوپریور، ادامه دارد موافقت کردند؛ در مورد مابقی مرز تا نقطه شمال-غربی دریاچه دبوآ، نیز به تعیین دستی آن بر روی نقشه اکتفا کردند. این تحدید حدود در معاهده واشنگتن (وبستر-آشورتون) - (Webster Ashburton) مورخ ۱۸۴۲ و نقشه‌های ضمیمه‌اش مورد تأیید قرار گرفت. نقشه‌های ضمیمه مرز را با یک خط سینوسی پیچیده‌ای پیش‌بینی کردند.<sup>۵۳</sup>

علیرغم تلاش‌های دو کمیسر برای ترسیم مرز بر روی دریاچه‌های بزرگ و مقررات معاهده ۱۸۴۲ مع‌هذا، در پی حادثه‌ای که در سال ۱۹۰۶ در دریاچه اریه رخ داد، مشخص شد که داده‌های جغرافیایی که مبنای تحدید حدود قرار گرفته بودند، بخصوص اطراف دریاچه‌ها، ناقص و حتی غلط بوده‌اند.

کمیسیون بین‌المللی آبراه‌ها، که در ۱۹۰۵ بوسیله دو دولت برای مطالعه مسائل مربوط به بهره‌برداری اقتصادی از رودخانه‌ها و دریاچه‌های امریکا-کانادا<sup>۵۴</sup>

۵۱. رش. Malloy, op. cit., p.612

۵۲. رش. مواد ۶ و ۷ معاهده گاند.

۵۳. رش به مواد ۱ و ۲ در Malloy, op. cit, p. 650

۵۴. رش.

D.c Piper, The international Law of the Great Lakes. A Study of Canadian - United States Co - operation ( Durham, N.C. : Duke university press, 1967), p.15.

ایجاد شده بود، نیز مسؤول بررسی مسأله اصلاح مرز میان دو کشور شد. این کمیسیون در گزارش مورخ ۱۹۰۷ تلاش می‌کند گستره مبحث «خط میانی» را مشخص نماید. این کمیسیون پس از آن اعلام کرد که خط میانی اصلی کلی است که باید راهنمای تحدید حدود باشد، اما امکان تفسیر موسع آن با ایجاد مرزی نزدیک به یک خط میانی هندسی وجود دارد.<sup>۵۵</sup>

معاهده جدیدی برای تعیین مرزها در ۱۹۰۸ فیما بین کانادا و ایالات متحده آمریکا منعقد گردید. این معاهده، که براساس کارها و پیشنهادات کمیسیون بین‌المللی ۱۹۰۵ منعقد گردید، آن کمیسیون را مسؤول تحدید حدود مرز دو کشور نمود. مرز در دریاچه‌های هورون، اریه، سن کلر و اونتاریو مرکب از خطوط مستقیم نزدیک به خط میانی است.<sup>۵۶</sup> اما مرز در دریاچه دبوآ مستقل از آن خط میانی بوده و از یک حد هندسی ساده تشکیل شده است که با عبور از میان چندین جزیره دریاچه و خروج از دریاچه به نقطه‌ای در شمال غربی واقع بین نصف‌النهارات ۴۹ و ۵۰ می‌رسد.

کمیسیون بین‌المللی آبراهها با استناد به این معاهده بود که مبادرت به تعیین مرز در دریاچه‌های بزرگ نمود. این مرز مرکب از ۲۷۰ خط مستقیم است.

### ۳-۳. دریاچه‌های بزرگ افریقا

#### ۳-۳-۱. دریاچه چاد

دریاچه چاد با مساحت متغیر ۱۲۰۰۰ تا ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع در میان کشورهای جمهوری چاد، نیجر، نیجریه و کامرون قرار دارد (نقشه‌های ۱۰ تا ۱۲).

۵۵. برای متن گزارش رش .

Canada Sessional Papers, Vol 47 (1913), n<sup>o</sup> 13 paper 19 a, p. 576.

۵۶. برای متن معاهده ۱۹۰۸ رش. NRG, 3e série, Vol.4, p.191. ماده ۴ در مورد مرز دریاچه‌های بزرگ به استثناء مرز دریاچه «دبوآ» می‌باشد. مرز در دریاچه اخیر موضوع ماده ۵ می‌باشد.

\*. Le Lac Tchad.

به علت تبخیر شدید آب شکل این دریاچه و سطح آب آن بسیار متغیر است.<sup>۵۷</sup> اختلاف میان قدرتهای استعماری آلمان، فرانسه و بریتانیا سبب شده بود که تحدید حدود در منطقه چاد، و بخصوص دریاچه واقع در آن، بسیار مشکل شود. تحدید حدود دریاچه چاد از طریق انعقاد موافقتنامه های دوجانبه فیما بین قدرتهای استعماری فوق در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انجام شده است. فرانسه و بریتانیا در ۱۸۹۶ با صدور اعلامیه مشترکی یک کمیسیون مختلط تحدید حدود برای دریاچه چاد ایجاد کردند.<sup>۵۸</sup> کارهای این کمیسیون پس از پایان در کنوانسیون ۱۴ ژوئن ۱۸۹۸ در مورد تحدید حدود مناطق تحت نفوذ در شرق و غرب نیجر گنجانده شد.<sup>۵۹</sup> ماده ۴ این کنوانسیون قسمت زیر را در منطقه تحت نفوذ فرانسه قرار داده است.

«ساحل شمالی، شرقی و جنوبی دریاچه، واقع است فیما بین نقطه ای که مدار ۱۴ درجه عرض شمالی ساحل غربی دریاچه را دوباره قطع می کند و نقطه برخورد با ساحل دریاچه در مرزی که توسط کنوانسیون فرانسه - آلمان در ۱۵ مارس ۱۸۹۴ تعیین شده است.»<sup>۶۰</sup>

۵۷. دریاچه چاد، ده هزار سال پیش، ده برابر بزرگتر از اندازه فعلیش بود. رش. Encyclopédia universalis (Paris, 1968), Vol 9. p.1027.

۵۸. رش.

E.Hertslet, The map of Africa by Treaty, 3e é d. 3 Vol (Londres: Harrison and sons, 1909), vol II, p. 765.

۵۹. اصطلاح حدود نفوذ (Sphères d'influence) بسیار مبهم و گسترده است که قدرتهای اروپایی در دوران استعمار افریقای سیاه در قرن ۱۹ بکار می بردند و بدین ترتیب منطقه تحت نفوذ خود را مشخص می کردند و مانع از طرح ادعای دیگران در آن منطقه می شدند. در این مورد رش.

M.F. Lindley, The Acquisition and Government of Backward Territory in international Law (Londres: Longmans, 1926). p.236.

۶۰. رش. Hertslet, op. cit., Vol II, P. 785.

۶۱. کنوانسیون ۱۵ مارس ۱۸۹۴ حاوی مقرراتی در مورد مشخص نمودن خط تحدید حدود مناطق نفوذ فرانسه و آلمان در منطقه چاد می باشد. آلمان، در عمل به دریاچه دسترسی نداشت، حد محدوده نفوذ آن کشور بوسیله بخشی از ساحل جنوبی دریاچه مشخص شده بود. این مقررات توسط موافقتنامه های بعدی ملغی شدند. رش. Hertslet, op. cit, Vol II, p. 657, 660.

این حدود سپس با موافقتنامه فرانسه - بریتانیا مورخ ۸ آوریل ۱۹۰۴ مشخص گردید. براساس این موافقتنامه مدار ۱۴ با مداری که از خط القعر مصب رودخانه کومادوگو-اوابه (Komasdougou - Ouobé) در دریاچه چاد از آن می‌گذرد جابجا گردید.<sup>۶۲</sup>

ماده یک موافقتنامه فرانسه - بریتانیا مورخ ۲۹ مه ۱۹۰۶ مرز را بشرح زیر تشریح می‌کند (نقشه شماره ۱۰):

«مرز از مصب کومادلوگو-وَب (اوابه) [ouobé] Komadlugou-vobe

در دریاچه شروع و با طی خط موازی عرض جغرافیایی بسوی شرق پیش می‌رود. عرض جغرافیایی مورد نظر همان است که خط القعر مصب رودخانه مذکور تا نقطه ای که این خط موازی در یک فاصله ۳۵ کیلومتری از مرکز دهکده بوسو (Bosso) قرار می‌گیرد از آن عبور می‌کند. مرز از این نقطه بصورت خط مستقیم از روی نقطه تلاقی سیزدهمین خط موازی عرض جغرافیایی - شمالی با جنوبی که از ۳۵ مرکز شهر کوکاو (Kukawa)، نصف النهار پیش بینی شده در کنوانسیونهای ۱۴ ژوئن ۱۸۹۸ و ۸ آوریل ۱۹۰۴، می‌گذرد ادامه می‌یابد».<sup>۶۳</sup>

سلطه واقعی آلمان بر بخشی از دریاچه چاد با انعقاد موافقتنامه آلمان - بریتانیا در ۱۹ مارس ۱۹۰۶ آغاز شد. براساس این موافقتنامه آلمان توانست به دریاچه دسترسی یابد، در حالی که تا آن موقع دسترسی آلمان محدود به ساحل دریاچه بود. مرز بشرح زیر تعیین شده است (نقشه شماره ۱۱):

ماده ۷: مرز ... براساس خط مورد ادعای آلمان یعنی خط مستقیم تا جاییکه که این خط نصف النهار ۳۵ را در شرق شهر کوکاو قطع می‌کند ادامه دارد که کمیسیون تحدید حدود آن را با این دو پایه عمودی که در قسمت فوقانی جذر دریای آزاد قرار داده مشخص نموده است. مرز، از این نقطه، این نصف النهار را

۶۲. رش. Ibid, p. 818.

۶۳. برای متن اصلی رش. Hertslet, op. cit., Vol II, p.843 ترجمه فرانسوی آن توسط یونداون ارائه شده است رش. Pondaven, op. cit., n<sup>o</sup> 6, p. 39.

بسوی شمال پیش می‌گیرد.<sup>۶۴</sup>

آلمان، پس از تعیین مرز با بریتانیا در ۱۸ آوریل ۱۹۰۸، پروتکلی با فرانسه منعقد کرد که مرز میان کنگوی فرانسه و کامرون را مشخص می‌کرد. ماده ۱ این پروتکل مقرر می‌دارد که:

ژ: .... مرز از شاری (chari) تا مصب خود در دریاچه چاد بسوی پایین ادامه

دارد ...

ک: مرز از مصب شاخه اصلی قابل کشتیرانی شاری در چاد، بشکلی که در نقشه ضمیمه این پروتکل مشخص شده است، به محل تلاقی نصف النهار ۸° ۰' ۱۲" شرق پاریس (شرق گرینویچ ۲۸° ۱۴') با خط موازی ۵° ۰' ۱۳" عرض شمالی می‌رسد و سپس بسوی غرب این خط (موازی) تا مرز فرانسه - انگلستان (که طبق کنوانسیون ۲۹ مه ۱۹۰۶ تعیین شده است) ادامه می‌یابد. مسلم است که جزایر چاد، که در غرب و جنوب مرز فوق قرار دارند بخشی از خاک آلمان محسوب می‌شوند. جزایری که در شرق و شمال قرار گرفته‌اند بخشی از متصرفات فرانسه می‌باشند.<sup>۶۵</sup>

آلمان در پایان جنگ اول جهانی مجبور شد که از متصرفات خود در آفریقای استوایی صرفنظر کند (ماده ۱۲۵ معاهده ورسای) و کامرون متعلق به آلمان، به عنوان سرزمین تحت نمایندگی، میان بریتانیا و فرانسه تقسیم شد. دو دولت در ماده یک اعلامیه مشترکی که در ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۹ در لندن در مورد مرز میان دو کامرون صادر کردند مرز خود را در دریاچه چاد بشرح زیر تعیین نمودند:

مرز از نقطه تلاقی سه مرز قدیمی انگلستان، فرانسه و آلمان آغاز می‌شود. این نقطه تلاقی در دریاچه چاد در ۵° ۰' ۱۳" عرض شمالی و تقریباً ۵° ۰' ۱۴" طول شرقی گرینویچ قرار دارد. مرز، از آنجا، به این شکل تعیین می‌گردد:

۶۴. رش. Herstlet, op. cit., Vol III, p.937.

۶۵. رش. R.G.D.I.P, 15 (1908): 426.



۱. توسط یک خط مستقیم تا مصب ابژی (Ebeji).<sup>۶۶</sup>

همین تحدید حدود مجدداً در یادداشتی که در ۹ ژانویه ۱۹۳۱ در مورد مرز میان قلمرو نفوذ فرانسه و بریتانیا در سرزمین تحت نمایندگی کامرون صادر گردیده لحاظ شده است.<sup>۶۷</sup>

در اینجا هم قسمت اعظم مرز با خطوط مستقیمی تعیین شده است که نقاط شروع آنها به طرق مختلف انتخاب شده اند (یا محلی است که در ساحل دریاچه واقع شده است، یا نقاط تلاقی یک نصف النهار با یک مدار می باشد).

همانگونه که نقشه شماره ۱۲ نشان می دهد، مرز توجهی به وجود جزایر ندارد چونکه، بجای فاصله گرفتن و دور زدن این جزایر، آنها را به دو قسمت تقسیم کرده است. روش خط میانی مورد استفاده قرار نگرفته است.

## ۲-۳-۳. دریاچه ویکتوریا

دریاچه ویکتوریا با ۶۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و تقریباً ۴۰ متر عمق از شمال به اوگاندا از شرق به کنیا و از جنوب به تانزانیا محدود است (نقشه ماده ۱۳). کنیا و اوگاندا، ابتدا از متصرفات انگلستان، سپس جزو مستعمرات و سرزمینهای تحت نمایندگی آن کشور بودند، در حالیکه تانزانیا به آلمان تعلق داشت. تحدید حدود در دریاچه ویکتوریا فیما بین آلمان و بریتانیا در پایان قرن نوزدهم انجام شد. ماده یک ترتیبات مربوط به متصرفات هر یک از دو دولت در آفریقای شرقی و جزیره هلگولاند (Helgoland) که در اول ژوئیه ۱۸۹۰ منعقد شده است، مرز را در دریاچه ویکتوریا بشرح زیر تعیین کرده است:

۶۶. دولتهای جانشین قدرتهای استعماری به این مرزها اعتراضی نکرده اند، این کشورها برعکس در جریان کنفرانس فورتل لای (Fort - Lamy) در دسامبر ۱۹۶۲ برای شناسایی صریح مرزهای موجود در دریاچه موافقت کردند رش.

P.Sand "Development of international water Law in the Lake chad Basin, zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und völkerrecht 34 (1974): 68.

۶۷. رش. NRG, 3<sup>e</sup> Série, Vol 15, p.263

۶۸. رش. NRG, 3<sup>e</sup> Série, Vol 25, p. 478.

«سپس مرز مستقیماً تا نقطه واقع در ساحل شرقی دریاچه ویکتوریا کشیده می‌شود ... که در آنجا با اولین خط موازی عرض جنوبی قطع می‌شود؛ بعد از آن مرز با عبور از دریاچه در ادامه همین خط موازی تا مرز دولت مستقل کنگو ادامه می‌یابد و در آنجا پایان می‌پذیرد».

بعد از سال ۱۹۲۰، زمانیکه بخشی از کنیا بصورت مستعمره و بخشی بشکل نمایندگی بریتانیا درآمد، و این در حالی بود که قبلاً بطور کامل جزو متصرفات آن کشور محسوب می‌شد، بریتانیا مجبور شد که مرزی میان کنیا و اوگاندا ترسیم کند. وجود تعدادی جزیره در بخش شرقی دریاچه این تحدید حدود را با مشکل مواجه کرد.

بریتانیا در ۱۹۲۶، فرمانی صادر و طی آن بخش شرقی دریاچه را تحدید نمود.<sup>۶۹</sup> این فرمان بطور کامل در قانون اساسی ۱۹۶۷ اوگاندا وارد شده است که ماده ۲ آن اشعار می‌دارد.

«مرز از آنجا (منظور مصب رودخانه سیو Sio می‌باشد) بصورت خط مستقیم در جهت جنوب - غربی تا شمالی ترین نقطه جزیره سومبا (Sumba) ادامه دارد؛ از آنجا سواحل غربی و جنوب غربی این جزیره را دور زده تا به جنوبی ترین نقطه خود برسد؛ سپس از نقطه اخیر با خط مستقیمی بسوی جنوب - شرقی تا غربی ترین نقطه جزیره ماجتا (Mageta) ادامه می‌یابد، بعد از آن با یک خط مستقیم، باز به سوی جنوب، تا غربی ترین نقطه جزیره کی لین جیتی (Kilingiti) کشیده می‌شود، باز از آنجا یک خط مستقیم بسوی جنوب تا غربی ترین نقطه جزیره ایلمبا (Ilemba) ادامه می‌یابد؛ از آنجا هم با یک خط مستقیم بسوی جنوب تا غربی ترین نقطه جزیره پیرامید (Pyramide) تداوم می‌یابد؛ و سرانجام از آنجا با یک خط بسوی جنوب تا

۶۹. NRG, 2e série, vol 16, p.894 رس.

70. The Kenya colony and protectorate (Boundaries) order - in-council, 1926; statutory Rules and orders 1926 / 1733, cité par A.C. Mc Ewen . International Boundaries of East Africa (Oxford: Clarendon press, 1971)p.250, n<sup>o</sup> 1.

نقطه ای در عرض جغرافیایی S ۰۱°۰۰ می‌رسد.<sup>۷۱</sup>  
نقطه مشترکی که حدود سه دولت در آنجا گرد می‌آیند در ۵۶° ۳۳' عرض  
شرقی قرار دارد.<sup>۷۲</sup>

در این جا شاهد یک تحدید حدود مختلط هستیم؛ ابتدا یک خط نجومی  
است که تشکیل دهنده مرز فیما بین تانزانیا و اوگاندا می باشد؛ و سپس خطوط  
نیمه شکسته ای هستند، که به لحاظ اجتناب از قطع جزایر، مرزهای فیما بین کنیا و  
اوگاندا از یک سو، و فیما بین کنیا و تانزانیا از سوی دیگر را تشکیل می دهند.  
روش خط میانی در هیچ جا مورد استفاده قرار نگرفته است.

### ۳-۳-۳. دریاچه آلبرت و ادوارد\*

دریاچه های آلبرت و ادوارد بترتیب با ۵۳۰۰ کیلومتر مربع و ۲۱۵۰ کیلومتر  
مربع (نقشه ای ۱۴ و ۱۵) مرز فیما بین زئیر\*\* و اوگاندا را تشکیل می دهند. دو  
قدرت استعماری منطقه یعنی بلژیک و انگلستان، اختلافات زیادی در این منطقه در  
دوران استعمار داشتند. دریاچه های آلبرت و ادوارد، که قابل کشتیرانی بوده و بخش  
اعظمی از شبکه آبی آفریقای شرقی را تشکیل می دهند، برای توسعه تجارت و  
ارتباط بین دولتهای آفریقایی ضروری بودند.<sup>۷۳</sup>

بریتانیا و دولت مستقل کنگو در ۱۲ مه ۱۸۹۴ موافقت کردند دریاچه آلبرت  
بطور کامل در تحت حاکمیت انگلستان درآید و دریاچه ادوارد نیز میان دو دولت  
تقسیم گردد. تحدید حدود در دریاچه ادوارد با خطی انجام می گیرد که باید در ادامه

۷۱. برای متن ماده ۲ قانون اساسی اوگاندا رش. McEwen, op. cit., p. 299.

۷۲. رش.

office of the geographer, Departement of State, International Boundary  
Studies, Tanzania, Uganda Boundary, n° 55.

\*. Les Lacs Albert et Edouard.

\*\* . لازم به تذکر است که نام این کشور در حال حاضر کنگو دموکراتیک می باشد.

۷۳. دلایل بلژیک در مورد ادعاهایش بر دریاچه آلبرت توسط پونداون تشریح شده است.

رش. Pondaven, op. cit., n° 6, p. 43.

خط جنوبی در عرض  $30^{\circ}$  درجه باشد.<sup>۷۴</sup>

اولین تلاش در سال ۱۹۰۲ برای تعیین مرز منجر به تشکیل یک کمیسیون مختلط (انگلیس - آلمان) شد؛ چون که ابتدا باید مناطق نفوذ این دو کشور تعیین می شدند. کمیسیون احراز کرد که یکی از ضمایم موافقتنامه ۱۸۹۴ خط جنوبی را ۱۲ مایل در غرب محل حقیقی اش لحاظ نموده است و اگر این خط در جای واقعی خود قرار گیرد، دریاچه ادوارد بطور کامل در منطقه تحت نفوذ بلژیک واقع می شود.<sup>۷۵</sup> واضح است که این تحدید حدود بطور محسوسی به زیان انگلستان می باشد، به همین دلیل مذاکرات بعدی در مورد دسترسی هر دو قدرت بر دریاچه متمرکز شدند.

بلژیک معتقد بود که هر دو دریاچه باید فیما بین آن کشور و بریتانیا تقسیم شوند.<sup>۷۶</sup> در سال ۱۹۱۰ یک «کمیسیون بین المللی برای بررسی برخی اختلافات مرزی در آفریقای شرقی»<sup>۷۷</sup> در بروکسل ایجاد شد. سرانجام مشورت های فیما بین در ۱۴ مه ۱۹۱۰ منجر به انعقاد کنوانسیون شد که طبق مفاد آن هر دو دولت دریاچه آلبرت را با استفاده از یک خط میانی فی ما بین خود تقسیم کردند. این خط طبق کنوانسیون ۱۹۱۰ متشکل از «خط القعر» رودخانه سملیکی (Semliki) تا مصب این رودخانه در دریاچه آلبرت بود. از این مصب، این خط از یک دسته خطوط مستقیمی تشکیل می شود که با عبور از دریاچه آلبرت از تقاطعی می گذرند که به فاصله برابر از دو ساحل و واقع بر خطوط موازی  $1^{\circ}30'$ ،  $1^{\circ}45'$  و  $2^{\circ}$  از عرض شمالی قرار دارند تا اینکه سرانجام به نقطه ای واقع در فاصله ای برابر از دو ساحل بر روی خط موازی  $2^{\circ}7'$  عرض شمالی برسد. سپس مرز بسوی غرب رفته تا با خط

۷۴. رش. به ماده ۱، بند الف کنوانسیون در MC، *Herstlet, op. cit., vol II, p. 578.*  
Ewen, *op. cit., p.236.*

۷۵. رش. *Mc Ewen, op. cit., p. 241.*

۷۶. رش. *Pondaven, op. cit., n<sup>o</sup> 6, pp. 43 et 55.*

۷۷. رش. *Ibid., p.45.*

مستقیمی به نقطه واقع در ساحل در حد جنوبی نوار ماهاجی (Mahagi) برسد.<sup>۷۷</sup>  
 تحدید حدود فوق در موافقتنامه منعقدہ در لندن در ۳ فوریه ۱۹۱۵ فیما بین  
 بریتانیا و بلژیک در مورد مرز در آفریقای شرقی مورد تأیید قرار گرفت. همین  
 موافقتنامه مرز در دریاچه ادوراد را نیز تعیین نمود. مرز در دریاچه ادوارد خط  
 مستقیمی است که از مصب رودخانه ایشاشا (Ishasha) در ساحل جنوبی ترسیم و تا  
 مصب رودخانه اینبیلیا - چاتو (Inbilila - Chato) در ساحل شمالی ادامه دارد.<sup>۷۸</sup>  
 بنابراین از خط میانی تقریبی برای تحدید حدود دریاچه ادوارد استفاده  
 شده است. این دو تحدید حدود سهم تقریباً برابری از آب دو دریاچه را برای  
 دولتهای ساحلی تضمین نموده است.<sup>۷۹</sup>

#### ۳-۳-۴. دریاچه کیوو\*

دریاچه کیوو با مساحت ۲۶۵۰ کیلومتر مربع فیما بین زئیر و رواندا واقع  
 شده (نقشه شماره ۱۶) و مدتها محل مناقشه فیما بین بلژیک و آلمان بود. مرز میان  
 دو کشور بطور نظری براساس معاهده ای که در ۱۸۸۴ فیما بین آلمان و انجمن  
 بین المللی کنگو (در زمان لئوپولد دوم) منعقد گردید مشخص شد. در این معاهده  
 ذکری از دریاچه کیوو به میان نیامده بود. دریاچه کیوو، در نقشه های مختلف آن  
 زمان، گاه در سرزمین متعلق به آلمان و گاه در سرزمین کنگو ترسیم می شد.<sup>۸۰</sup>

۷۸. رش.

P. Van Vracem, La frontière de la Ruzizi - Kivu de 1894 à 1910. Conflits  
 germano - conglais et anglo - Conglais en Afrique orientale, thèse, université  
 officielle du Congo belge et du Ruanda - Urunde, 1958 - 1959, p.234, Annexe  
 VI. cité par pondaven, op. cit n<sup>o</sup>, p.45, n<sup>o</sup> 110.

۷۹. رش.

H.B. Thomas et A.E. Spencer. A History of Uganda (Entebbe: Land and  
 Surrvey department and Government press, 1938), p.37.

۸۰. رش. Mc Eween, op. cit., p.247.

\*. Le Lac Kivu.

۸۱. رش. Pondaven, op. cit., n 6, p.22.

آلمانها که خواهان استقرار در این منطقه بودند به زور ساحل شرقی دریاچه را اشغال نمودند و بلژیکیها پس از اعتراضات بی ثمر سرانجام حاضر به مذاکره شدند. بنابراین دو گرایش وجود داشت: از یک سو، آلمانها خواهان در اختیار گرفتن کل دریاچه بودند و، از سوی دیگر، بلژیکیها تمایل به مذاکره و تقسیم دریاچه با همسایه خود را داشتند. علی رغم وجود این اختلاف نظر، بالاخره دو دولت موفق به انعقاد پروتکل برنارثت - آلونزلوبن (Bernaert - Alvensleben) در ۱۰ آوریل ۱۹۰۰ شدند. طبق این پروتکل دریاچه تقسیم و کمیسیون برای تعیین دقیق موقعیت دریاچه ایجاد شد.<sup>۸۲</sup> مع هذا، کمی بعد، آلمان به این تعیین حدود ایراد کرده و جزایر واقع در نزدیکی ساحل کنگو را اشغال نمود و همچنین مدعی جدی بر ساحل شرقی دریاچه شد. دولت کنگو، بر اجرای پروتکل ۱۹۰۰ اصرار می ورزید و پیشنهاد مذاکرات مستقیم را مطرح می کرد.<sup>۸۳</sup>

در سال ۱۹۱۰ یک کمیسیون بین المللی برای بررسی برخی اختلافات مرزی در آفریقای شرقی در بروکسل ایجاد شد.<sup>۸۴</sup> کارهای این کمیسیون در اطراف جزایر دریاچه کیوو متمرکز شدند، که مهمترین آنها جزیره کاویجوی (Kwidjwi) یا ایجوی (Idjwi)، در نزدیکی ساحل کنگو، بود که در آن مقرریک میسیون پروتستان آلمانی قرار داشت. سرانجام مذاکرات در این کمیسیون منجر به انعقاد یک موافقتنامه در ۱۴ مه ۱۹۱۰ شدند.<sup>۸۵</sup> طبق این موافقتنامه، جزیره کاویجوی به کنگو بازگردانده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رئیس هیئت مدیره

۸۲. رش.

Van Vracem, op. cit., p.223, Annexe II, cité par Pondaven, op. cit., n°6, p.37.

۸۳. رش. Van Vracem, Loc - cit.

۸۴. رش. Pondaven, op. cit., n 6 p.61. همچنین به همین مقاله رجوع شود.

۸۵. رش. Van Vracem op. cit., cité par Pondaven op. cit., n 6 p. 62.

۸۶. رش.

L'Accord reproduit par: the office of the Geographer, department of state, international Boundary Studies, Congo (Léopoldville) - Rwanda Boundary, n° 52, p.3.

شد و مرز هم می بایست از میان ساحل شرقی و برخی از جزایر عبور کند.<sup>۷۷</sup> ما در اینجا در مقابل تحدید حدودی با یک خط هستیم که بدون این که خط میانی باشد، آبهای دریاچه را میان دو دولت ساحلی تقسیم می کند. موافقتنامه ۱۹۱۰ صحبتی از خط میانی نمی کند اما اشعار می دارد که محل تلاقی آن خط با خشکی در شمال دریاچه نقطه ای است که از دو پُست ساحلی به یک فاصله می باشد. در عمل، مرز از میان جزایر و ساحل عبور می کند یا فقط از میان جزایر می گذرد بدون این که در کل یک خط میانی باشد.

### ۳-۳-۵. دریاچه تانگانیکا\*

دریاچه تانگانیکا با ۳۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت بشکل کشیده فیما بین زئیر در غرب، تانزانیا در شرق، برونندی در شمال شرقی و زامبیا در جنوب قرار گرفته است (نقشه شماره ۱۷). طولانی ترین مرز در این دریاچه فیما بین زئیر و تانزانیا قرار گرفته که دو دولت مقابل هم می باشند. این مرز یک خط میانی است که برای اولین بار در بخشنامه ای که در سال ۱۸۸۵ از سوی مسوول وزارت امور خارجه دولت مستقل کنگو منتشر گردید درج شده است. این بخشنامه حاوی این کلمات است «خط میانی در دریاچه تانگانیکا:

یک خط مستقیمی است که از دریاچه تانگانیکا تا دریاچه مویرو (Moëro) در عرض جنوبی ۳۰° ۸ کشیده شده است».<sup>۷۸</sup>

۸۷. رش. موافقتنامه ۱۴ مه ۱۹۱۰ که این خط را بدین شکل شرح می دهد. «در دریاچه کیوو: مرز خطی است که روی نقشه شماره یک ترسیم شده و ضمیمه می باشد. این خط از رودخانه روسی زی (Russisi یا روزی زی Ruzizi) شروع و در شمال در نقطه ای در روی ساحل عمود بر گوما (Goma) خاتمه می یابد .... و کیسگ نیز (Kissegnes) یا جیزنی (Gisenyi) ... در غرب این خط بخصوص جزایر ایوینزا (Iwinza)، نیامارونگا (Nymaronga) یا نیامارانگا (Nymaranga)، کویجوی (Kwidjwi) (جزیره ایجوی Idjwi) و کیتایا (Kitaya)، که متعلق به بلژیک هستند قرار دارند، جزایر کیکا یا (Kikaya)، گومبو (Gombo)، کومنی (Kumenie) و وو (wau) یا واهو (Wahu) در شرق این خط قرار گرفته و از آن آلمان می باشند.

\*. Le Lac Tanganyika.

۸۸. رش. Hertslet, op. cit, Vol II, p. 578.

این مرز در معاهدات و اعلامیه های بعدی نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ که از جمله می توان از موافقتنامه اول ژوئیه ۱۸۹۰ منعقد فی مابین بریتانیا و آلمان در مورد متصرفات هریک در آفریقای شرقی و در جزیره هلگولند<sup>۱۲</sup> موافقتنامه ۱۲ مه ۱۸۹۴ فی مابین بریتانیا و لئوبولد دوم، پادشاه دولت مستقل کنگو<sup>۱۳</sup> و اعلامیه ۲۸ دسامبر ۱۸۹۴ در مورد بی طرفی دولت مستقل کنگو<sup>۱۴</sup> نام برد. این خط مرزی در پروتکل ۵ اوت ۱۹۲۴ هم که فی مابین بریتانیا و بلژیک برای تعیین مرز در شمال دریاچه فیما بین سرزمین تانگانیکا و رواندا - اوروندی (Ruanda - Urundi) منعقد شده است مورد تأیید قرار گرفته است. بعد از جنگ اول جهانی، سرزمین آلمانی رواندا - اوروندی از سرزمین آلمانی تانگانیکا جدا و تحت نمایندگی بلژیک در آمد و سرزمین تانگانیکا نیز بنام «تانگانیکا تریتوری» (Tanganyika Territory) نیز به نمایندگی بریتانیا در آمد. پروتکل ۵ اوت ۱۹۲۴ در ماده ۵ خود مرز را در شمال دریاچه تانگانیکا بشرح زیر مشخص می کند:

«(مرز در شمال) آبهای دریاچه تانگانیکا یک خط موازی است که از ساحل شماره یک شروع و تا برخورد با خط میانی شمال - جنوب دریاچه تانگانیکا ادامه دارد.»<sup>۱۵</sup>

بنظر می رسد که مرز در جنوب دریاچه، فیما بین زئیر، زامبیا و تانزانیا چندان مشخص نیست. نامشخص بودن مرز در این قسمت از این امر ناشی می شود که کنوانسیون ۱۲ مه ۱۸۹۴ منعقد فی مابین بریتانیا و کنگو و همچنین اعلامیه ۲۸ دسامبر همان سال در مورد بی طرفی کنگو، مندرج در فوق، مرز میان کنگو و متصرفات بریتانیا را با خطی مشخص کرده اند که از دریاچه مویرو، در جایی که رودخانه لوآپولا (Luapula) از این دریاچه خارج می شود، شروع و تا دماغه

۸۹. رش. ماده ۱ بند ۳، در. NRG, 2e série, Vol 16, p.894.

۹۰. رش. Herstlet, op. cit., Vol II, p.578.

۹۱. رش. Ibid, p.557.

۹۲. رش.

P.Jentgen, Les frontières du Ruanda - Urundi et le régime international de tutelle (Bruxelles, 1957), p.16.





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتانه علوم او ادب

در ۱۲ مه ۱۸۹۴ بریتانیا و بلژیک (که بنام دولت مستقل کنگو عمل می‌کرد) معاهده‌ای را در بروکسل برای تعیین مناطق نفوذ خود در آفریقای شرقی و آفریقای مرکزی منعقد کردند. ماده ۱، و بند ب این معاهده اشعار می‌دارد:

«خط مستقیماً بسوی نقطه ورودی رودخانه لوآپولا به دریاچه کشیده خواهد شد. اما بعد به سوی جنوب دریاچه منحرف می‌شود بطوریکه جزیره کیلوا (Kilwa) از آن بریتانیا گردد.»<sup>۹۵</sup>

این متن کلمه به کلمه در اعلامیه تکمیلی بیطرفی صادره از سوی دولت مستقل کنگو در ۱۸ دسامبر ۱۸۹۴ درج شده است.<sup>۹۶</sup>

مع هذا عبارت «نقطه ورودی رودخانه لوآپولا به دریاچه» به علت مشکل بودن تعیین دقیق این نقطه، مشکلاتی ایجاد کرد. مسأله برای بلژیک به دلیل قرار داشتن یک پُست کنگویی در پوتو (Pweto) از اهمیت برخوردار بود: برحسب این که نقطه ورودی رودخانه در شمال غربی یا در شمال شرقی دریاچه قرار گیرد، آن پُست می‌تواند یا نمی‌تواند به دریاچه دسترسی داشته باشد.<sup>۹۷</sup> بنظر می‌رسد که کمیسیونهای تحدید حدودی که تشکیل شدند نتوانستند این مشکل را بصورت قطعی حل کنند.<sup>۹۸</sup> مع ذلک یک ترتیبات موقتی دسترسی به دریاچه را در محل پوتو تضمین کرد.<sup>۹۹</sup>

بدین ترتیب می‌توانیم مشاهده کنیم که مرز در دریاچه موئیرو با استفاده از روش خط میانی و بالحاظ نمودن جزایر واقع در دریاچه بخصوص جزیره کیلوا، ترسیم شده است. در این محل خط میانی از میان ساحل چپ دریاچه و ساحل غربی جزیره عبور می‌کند.

۹۵. NRG, 2e série, Vol 20, p. 805. رش.

۹۶. برای ادعاهای بلژیک در مورد این جزیره رش. Pondaven, op. cit, n.6. p. 105.

۹۷. رش. Jentgen, op. cit., n.94, p. 16.

۹۸. رش. Pondaven, op. cit., n 6, p. 102.

۹۹. رش. Jentgen, op. cit, n. 94, p. 90.

۱۰۰. رش. Ibid.

## ۷-۳- کنواری ها لوی دریاچه قدیم تا بنامیت

دریاچه هالاوی با مساحت ۳۰۵۰۰ کیلومتر مربع و بشکل کشیده مرز میان ملاوی (که در قدیم بنام نیسالند Nyassaland) و تحت نمایندگی بریتانیا بود) واقع در شرق دریاچه و تانزانیا (در قدیم بنام تانگانیکا و جزو قلمرو آلمان محسوب می‌شد و پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی بعنوان سرزمین تحت نمایندگی و سپس تحت قیمومت بریتانیا در آمد) واقع در شمال شرقی دریاچه را تشکیل می‌دهد (نقشه شماره ۱۹). بریتانیا، از طریق معاهدات و اعلامیه های متعددی که فیما بین سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۱ منعقد یا صادر شده بودند موفق شد حاکمیت خود را بر کل آبهای دریاچه نیاسا اعمال کند.<sup>۱۱</sup> بنابراین در این حالت مرز در ساحل و به نفع انحصاری بریتانیا تعیین شده بود و دو قدرت دیگر منطقه یعنی آلمان و پرتغال از دسترسی به دریاچه محروم بودند.<sup>۱۲</sup> این وضعیت، که بخصوص مورد اعتراض پرتغال بود، تا سال ۱۹۵۴ ادامه یافت، یعنی تا زمانی که بریتانیا، برای صدور مجوز بهره برداری مشترک با جابجایی مرز میان نیاسالند و موزامبیک به وسط دریاچه

واقع در شرق دریاچه و تانزانیا (در قدیم بنام تانگانیکا و جزو قلمرو آلمان محسوب می‌شد و پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی بعنوان سرزمین تحت نمایندگی و سپس تحت قیمومت بریتانیا در آمد) واقع در شمال شرقی دریاچه را تشکیل می‌دهد (نقشه شماره ۱۹). بریتانیا، از طریق معاهدات و اعلامیه های متعددی که فیما بین سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۱ منعقد یا صادر شده بودند موفق شد حاکمیت خود را بر کل آبهای دریاچه نیاسا اعمال کند.<sup>۱۱</sup> بنابراین در این حالت مرز در ساحل و به نفع انحصاری بریتانیا تعیین شده بود و دو قدرت دیگر منطقه یعنی آلمان و پرتغال از دسترسی به دریاچه محروم بودند.<sup>۱۲</sup> این وضعیت، که بخصوص مورد اعتراض پرتغال بود، تا سال ۱۹۵۴ ادامه یافت، یعنی تا زمانی که بریتانیا، برای صدور مجوز بهره برداری مشترک با جابجایی مرز میان نیاسالند و موزامبیک به وسط دریاچه

واقع در شرق دریاچه و تانزانیا (در قدیم بنام تانگانیکا و جزو قلمرو آلمان محسوب می‌شد و پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی بعنوان سرزمین تحت نمایندگی و سپس تحت قیمومت بریتانیا در آمد) واقع در شمال شرقی دریاچه را تشکیل می‌دهد (نقشه شماره ۱۹). بریتانیا، از طریق معاهدات و اعلامیه های متعددی که فیما بین سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۱ منعقد یا صادر شده بودند موفق شد حاکمیت خود را بر کل آبهای دریاچه نیاسا اعمال کند.<sup>۱۱</sup> بنابراین در این حالت مرز در ساحل و به نفع انحصاری بریتانیا تعیین شده بود و دو قدرت دیگر منطقه یعنی آلمان و پرتغال از دسترسی به دریاچه محروم بودند.<sup>۱۲</sup> این وضعیت، که بخصوص مورد اعتراض پرتغال بود، تا سال ۱۹۵۴ ادامه یافت، یعنی تا زمانی که بریتانیا، برای صدور مجوز بهره برداری مشترک با جابجایی مرز میان نیاسالند و موزامبیک به وسط دریاچه

\*. Le Lac Malawi, anciennement Lac Nyassa.

۱۰۱. منظور اعلامیه کمیسیون مورخ ۳۱ دسامبر ۱۸۸۶ میان آلمان و پرتغال می باشد. رش. Herstlet, Vol III, p. 99. موافقتنامه ۱۱ ژوئن ۱۸۹۱ منعقد فیما بین بریتانیا پرتغال در ۱۸۵۰، P. 185، Vol III، 2e série، NRG. ماده اول موافقتنامه ۱۸۹۱ اشعار می دارد «بریتانیا سرزمینهای واقع در حدود زیر را به عنوان متصرفات پرتغال در آفریقای شرقی شناسایی و می پذیرد:

۱. در شمال خطی است که در طول ساحل رودخانه رووما (Rovuma) از مصب آغاز و تا تلاقی آن با رودخانه امبوجیج (Am-Sinje) ادامه دارد، سپس با این گریز یک خط موازی واقع

در آن نقطه تلاقی بسوی غرب رفته و تا رسیدن به ساحل دریاچه نیاسا ادامه می یابد.

۲. در غرب، خطی است که منشأ آن در مرز دریاچه ای پیشگفته یافت می شود و تا خط

موازی ۳۰ ۳۰ عرض جنوبی ادامه می یابد، سپس با خطی موازی شرقی بسوی دریاچه تداوم

می یابد. مرز از این نقطه جهت جنوب شرقی و بسوی امباجل شرقی دریاچه شی اووتا (Chiuta)

در پیش می گیرد و ادامه می یابد.

۱۰۲. آلمان بعد از پایان جنگ اول جهانی از گروه کشورهای استعمارگر حذف شد و انگلستان

جانشین آن شد که به عنوان نماینده در سرزمین تانگانیکا عمل می کرد.

۱۰۳. دولت در کمیسیون آفریقا نسبت به آن در آن زمان که در عنوان داخلی خود برای

رش. Pondaven, op. cit., n° 6, p. 66, n. 151.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تخلیه خود و دبه سطل ۱۸۴۶ در دوران دسترس بولسوی به استقلال بازمی‌گردد.  
 بولیوی دو آن موقع به پرو پیشنهاد معاهده ای را کرد که ماده ۲ آن پیش بینی می کرد  
 که پرو بر شهر و سرزمین شبه جزیره کویاکا بنا و همچنین بر فویاچه قحقی می‌کند که در  
 شمال با کلیه جزایر موجود در آن قسمت اعضال حاکمیت نماید. بولیوی هم  
 بر اساس همین معاهده دریاچه و نیامارکا با کلیه جزایر آن را برای خود حفظ نماید،  
 کشتیرانی و صید در آبهای دو دریاچه برای هر دو جمهوری آزاد و مشترک باشد.  
 معاهده مقرر هرگز لازم الاجرا نشد؛ پرو از تصویب آن خودداری نمود زیرا که آن  
 معاهده هیچگونه حق دسترس به دریاچه و نیامارکا برای پرو پیش بینی نکرده بود.  
 پس یک قرن تنش و اختلافات مرزی میان دو کشور، سرانجام پرو تکلیف در  
 ژوئن ۱۹۲۵ در لاپاز (Lapaz) به تصویب رسید. این پروتکل یک کمیسیون  
 مختلط برای تعیین مرز ایجاد نمود. این کمیسیون صورتجلسه کارهای خود را در  
 دسامبر ۱۹۲۹ به دو کشور ارائه نمود. این صورتجلسه در دومین پروتکل لاپاز در  
 فوریه ۱۹۳۲ مورد تأیید طرفین قرار گرفت. این پروتکل خط میانی را بعنوان  
 حدود روی کل دریاچه (تقی کلکا و ونیامارکا) تعیین نمود. این خط میانی جزایر  
 نزدیک به چند را لحاظ نمی‌نماید. نقاط تشکیل دهنده این خط از طریق روش  
 نجومی تعیین شده اند. است. کمیسیون حقوق بین الملل در رابطه با خود  
 تدوین حقوق معاهدات اظهار داشته که حقوق منشور راجع به استواری است که از  
 زور یک نمونه دارد. این معاهده ای است که در حقوق بین الملل ویژگی فاعله آره  
 در دو جنبه ای یک را گونه و این دولت متحد در تواج خود این اصل را به عنوان یک  
 به معاهده ۱۸ دسامبر ۱۸۲۶ در NRG, 2<sup>e</sup> Série, Vol, 15, p.770.

۱۰۹. رش.

Ireland, Boundaries, possessions and Conflicts in South America (Cambridge,  
 Mass: Harvard university press, 1938), p.97.  
 ۱۱۰. Ibid., p.108., NGR, 3e série, Vol. 23., P. P. 534.

۱۱۱. پروتکل تصویب کننده تحدید حدود دومین بخش از مرز (شبه جزیره کویاکا بنا) به زبان  
 اسپانیولی در: 88. Gaja, op. cit., p. 281., Hamikamen., op. cit., p. 3., Rozakis, op. cit.,

112. Tratados, convenciones Y Acuerdos vigentes entre el Peru Y otros Estados,  
 Vol I: Instrumentos Bilaterales (Lima: Ministerio de Relaciones exteriores del  
 Perú, (1936), pp.125, 1980, paras. 86, 88, 91.

## ۲-۴-۳. دریاچه (لاگون) می ریم\*

این دریاچه مرز کنونی فیما بین برزیل و اروگوئه را تشکیل می دهد. (نقشه شماره ۲۱). اسپانیا و پرتغال بر سر دریاچه می ریم و منطقه آن در دوران استعمار امریکای لاتین اختلافات زیادی داشتند. این دو کشور با انعقاد معاهده سیان ایلد فونسو (San Ildefonso) در اول اکتبر ۱۷۷۷، بشرح زیر توافق کردند: پرتغال از این دریاچه کشتیرانی و ورود (به دریاچه) بطور کامل و انحصاری متعلق به پرتغال خواهند بود و سرزمین پرتغال از ساحل جنوبی تا جریان آبی توهم (Tohim) ادامه دارد و سپس از آنجا بشکل خط مستقیم در طول گودال مانگرا (Mangueira) تا دریا تداوم می یابد؛ و در خشکی این خط از ساحل گودال می ریم جهت اولین جریان آبی جنوبی را که در آنجا به مصبش می ریزد پی می گیرد، و در نزدیکی بندر پرتغالی سن گونزالس (St. Gonzales) بسوی پایین متمایل می شود. بنابراین شاهد تعیین حدود ساحلی می باشیم که ابتدا پرتغال به ضرر اسپانیا و بعد برزیل به ضرر اروگوئه از آن بهره مند می شوند. این تجدید حدود در معاهده ۱۲ اکتبر ۱۸۵۱ از معاهده فیما بین برزیل و اروگوئه در ریودو ژانیرو نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ ماده ۲ این معاهده اصل احترام به میرزها در زمین دسترسی به استقلال آنرا بعنوان مجاز برای حل مشکلات مرزی میان دو کشور پذیرفته است. در این وضعیت تا سال ۱۹۰۹ ادامه دادن برزیل در این زمین برای رعایت حسن همجواری از مصب رودخانه سان میگوئل (San Miguel) تا مصب رودخانه یاگوارون (Yaguaron) را با معاهده ای به اروگوئه واگذار نمود، بخش لاگون می ریم واقع فیما بین ساحل غربی و مرز جدید که، طبق ماده ۳ معاهده ۱۹۰۹، بنیاد بصورت طولی از آبهای لاگون عبور کند. همین ماده ۳ مرز را بصورت خطی توصیف می کند که آبراه قابل کشتیرانی را پی می گیرد و به همین دلیل، به

می توان گفت که این معاهده در راستای اصل حقوق در دست داشتن و ارض است

\* Le Lac (Lagune) Mirim.

91. I.C.J. Reports., 1986, para. 190. CTS, Vol 46 (1775 - 1778), p.361. ر.ش. ۱۱۲

92. I.C.J. Reports., 1986, Sep, op Judge Nagendra Singh, p. 153.

\* Le Principe de Utī Possidetis.

93. Ibid., Sep, op Judge Canara, p. 199.

94. Schwarzenberger, G., "International Law and Order", 1961, (1962) ر.ش. ۱۱۳ CTS, Vol. 106 (1851) p. 350



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

حاکمیت برای آن شود عقیم می‌گذارد. اسرائیل، در عمل، به صیادان سوری اجازه صید در آبهای مجاور ساحل شمال-شرقی دریاچه را داده است، اما بشرطی که آنان مجوزهای ویژه‌ای از مقامات اسرائیلی دریافت دارند. سوریه نیز به سهم خود مدعی است که، با توجه به تقسیم حاکمیت در دریاچه، این مجوزها باید بوسیله کمیسیون مختلط ترک-مخاصیبه، که رکن مسؤل سازمان ملل متحد برای نظارت بر اجرای کنوانسیون ترک مخاصمه است، صادر شوند.<sup>۱۲۱</sup> برخوردهایی که از بعد از امضا این کنوانسیون رخ داده اند ثابت می‌کنند که طرفین همچنان بر مواضع خود پافشاری کرده و مسأله لاینحل باقیمانده است.

تاکنون چند پیشنهاد شده است

۴

## ۴-۱-۴. رویه دولتها در قلمرو تحدید دریاچه‌ها

این بخش به بررسی رویه دولتها در قلمرو تحدید دریاچه‌ها می‌پردازد.

### ۴-۱-۴. رویه دولتها در قلمرو تحدید دریاچه‌ها

#### ۴-۱-۴-۱. خط مقسیم:

بررسی رویه دولتها، که در بخش سوم این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، دستیابی به دو نتیجه را برای ما ممکن می‌کند.

۱. در مورد تقسیم، متحدان انگلیسی در مورد لزوم تقسیم آنها وجود دارد.<sup>۱۲۱</sup> روش حد ساحلی، که نشان از اشتباهی قدرتهای استعماری در آنها فقط دارد، متروک شده است. مع هذا، باید خاطر نشان کنیم که اگر متروک شدن این روش، حداقل در نظر دولتها، به نفع دولتها دیگر است، پس این روش را می‌توان به نفع دولتها دیگر استفاده کرد.

۱۲۱. رش. Ibid., p.225.

۱۲۲. بجز در مورد دریاچه مالوی و دریاچه نی بریاد که هنوز هم علی رغم اعتراض تانزانیا و سوریه حدساحلی پابرجاست.

ماده شانزدهم: حفظ تابعیت قبلی  
 آفریقا، در آخرین سالهای دوران استعمار اعلام گردید،<sup>۱۲۳</sup> اما در امریکای لاتین، دولت عضو نباید مرز را از دست دادن و تابعیت دولت دیگر را شایسته خودش حد ساحلی در دریاچه می ریم تا بعد از دسترسی دو دولت ساحلی به استقلال از آن حفظ و پیوست خود قرار دهد. زمانی که این بر کسب از دست دادن تابعیت میان نرفت. همچنین باید خاطر نشان نمود که دولت‌های آفریقایی تازه استقلال یافته در کمال بدین بر شد و علاوه بر آن نگرانی نکردند.  
 به صراحت مرزهای قبلی را پذیرفته و با تصویب قطعنامه ای از سوی سازمان وحدت

آفریقا در ۱۹۶۴ آن را اعلام نمودند.<sup>۱۲۴</sup>  
 ماده هفده: حقوق و تکالیف مربوط به تابعیت چندگانه

I. از راه دولت عضو که دارای تابعیت دیگری در این زمینه در مورد دولت دیگر  
 II. اگر رویه بررسی شده در مورد لزوم تقسیم آنها میان دولت‌های ساحلی  
 متحد الشکل می باشد، برعکس این رویه در خصوص روش تقسیم یکسان  
 نمی باشد. ما عملاً نشان دادیم که روشهای تحدید حدود بر حسب دریاچه ها،  
 الف. از راه تحدید حدود در این زمینه در مورد دولت دیگر  
 شکل آنها، وضعیت جغرافیایی شان و غیره متفاوتند. مرز گاهی با استفاده از خطوط  
 مستقیم و گاهی به نوع دیگر تحدید حدود به منظور همسایگی و  
 مستقیم و زمانی با بهره گیری از حدود نجومی و حتی، برخی اوقات با کاربرد  
 دیگر روشها تحدید می کنند.

خط القعر (Thalweg) دریاچه، به فرض وجود آن، تعیین می شود. بالاخره مواردی  
 مشاهده می شوند که تحدید حدود با استفاده از روش خط میانی انجام شده است.  
 اما این موارد کم هستند، و، همانطور که گفتیم، روشهای دیگری هم مورد استفاده

قرار گرفته اند. بعلاوه، بندرت می توان شاهد استفاده از خط میانی برای ترسیم کل  
 مرز در یک دریاچه بود.<sup>۱۲۵</sup> اضافه کنیم در مواردی هم که از خط میانی استفاده  
 شده است، این خط اغلب، به دلایل عملی، یک خط میانی ساده یعنی خطی  
 حاشیای دولت و تابعیت  
 زاویه دار می باشد. بالاخره به این مطلب هم اشاره کنیم که خطوط جانبی که خط

میانی را به سواحل دریاچه متصل می کنند با استفاده از روش منصف، از نقطه ای  
 ماده هیجده: اصول  
 که مرز زمینی به ساحل متصل می شود، ترسیم نمی شوند. این خطوط یا خطوط عادی  
 در این نوع تابعیت در موارد حاشیای دولت، هر دولت عضو در این زمینه  
 مرسوم بر ساحل هستند یا خطوطی می باشند که با استفاده از معیارهای دیگر ترسیم  
 می شوند. قواعد و راجع به حقوق بشر و اصول مذکور در مواد ۴ و ۵

۱۲۳. برای مثال رجوع شود به بخشی از دریاچه مالاوی، دریاچه های آلبرت و ادوارد و دریاچه  
 کنو.  
 ۱۲۴. رش. همین مقاله  
 ۱۲۵. در تقسیم بررسی راجع به آنصورتی که در این نوع تابعیت در موارد حاشیای دولت.

۱۲۵. رش. سازمان وحدت آفریقا A.H. G/Res. 17 (I) du 21 Juillet 1964  
 در دولت عضو می ریم و به دلایلی انحصار موارد زیر را مورد توجه قرار دهد:

۱۲۶. دریاچه های لمان و تانگانیکا و دریاچه های امریکای شمالی بر اساس روشهای متفاوت در  
 قسمت های مختلف مرزی خود تحدید حدود شده اند.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتانه علومو او مطالعاتي مرکز



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

توجه به جزایر هکجر به خطی عدم تبعض می شود که به مقدار زیادی از مسیر اصلی خود منحرف شده، و با عبور از میان جزایر و ساحل دولت «ب» این دولت را متضرر می کند (نقشه شماره ۲۳). چنین ریانی در دریاچه هالاوی مشاهده می شد که با انعقاد کنوانسیون در ۱۸ نوامبر ۱۹۵۴ قیما بین پرتغال و بریتانیا در مورد تحدید حدود این دریاچه جبران گردید.<sup>۱۳۳</sup> طرفین متعاقد با ترسیم خط میانی بدون توجه به جزایر بریتانیایی واقع در نزدیکی ساحل پرتغال<sup>۱۳۴</sup> توافق کردند، مشروط بر این که هریک از این جزایر دارای یک منطقه آبی به عرض دو مایل دریایی باشند.<sup>۱۳۵</sup> به علاوه، بریتانیا حق دسترسی بیشتری را به دو جزیره بدست آورد. بدین ترتیب، دو جزیره بریتانیایی در بخش پرتغالی دریاچه قرار گرفته اند.<sup>۱۳۶</sup>

**قواعد راجع به تابعیت**  
 ملاحظات پیشین امکانی این نتیجه گیری را می دهد که دولت های ساحلی که با مشکل تحدید حدود دریاچه ای مواجهند و این تحدید حدود با وجود جزایر پیچیده شده است همیشه، به استثنای یک مورد، از خطوطی که جزایر را به دو نیم کنند اجتناب کرده اند. دولت ها همیشه تلاش کرده اند که با تغییر مسیر این خطوط (خطوط تحدید حدود)، آنها جزایر را دور بزنند.<sup>۱۳۷</sup> در مورد جزایری که در طرف دیگر خط میانی قرار می گیرند (منظور جزایری است که متعلق به یک دولت ساحلی بوده و در نزدیکی سواحل دولت دیگر قرار می گیرند)، فقط یک مورد (دریاچه هالاوی) وجود داشته است که متعلق به دولت دیگری می باشد. در سایر موارد خط تحدید حدود بشکلی منحرف شده است که جزیره متعلق به یک دولت در

۱۳۳. رش. همین مقاله. بر اساس نقشه شماره ۲۳.

۱۳۴. چیسامولو (Chisamulo) و لیکوما (Likoma) جزایر ساحلی در وقت امضا که در مسیر

\* هر مایل دریایی حدود ۶۸۵۲ متر است.

۱۳۵. یک راه حل مشابه در قلمرو حقوق دریاها در مورد جزایر انگلوترماندا (که به بریتانیا تعلق دارد) در طرفی از خط میانی قرار گرفته اند که نزدیک سواحل فرانسه می باشد. در هنگام تحدید حدود فلات قاره فیما بین دو دولت (فرانسه و انگلستان) اتخاذ شده است. رش. رأی دیوان دآوری فرانسه. بریتانیا در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ در زنون در مورد تحدید حدود فلات قاره. این رأی در La Documentation Française به چاپ رسیده است.

۱۳۶. رش. Les frontières des Lacs Moëro, Huron, Supérieur, etc.

سمت همان دولت قرار می‌گیرد. در این مورد، دولت‌ها می‌توانند به توافق خود اکتفا کنند و نیازی به تصمیم‌گیری از سوی جامعه بین‌المللی نیست.

**۴-۲. اعتقاد به الزامی بودن\* (دومین عنصر تشکیل دهنده عرف)**

ثُمَّ عملکرد قراردادی دولت‌ها را، که تنها رویه موجود در قلمرو تحدید حدود دریاچه ای است مطالعه کردیم و مشاهده نمودیم که تنها اصل کلی که بتوان از آن استخراج کرد اصل نوعی تقسیم آبهای دریاچه ای فیما بین دولتهای ساحلی است. در عوض، ما مجبور شدیم فکر مربوط به وجود یک رویه مستمر و متحدالشکل در مورد روش تقسیم را کنار بگذاریم و بخصوص این فکر را که این تقسیم باید بر اساس اصل خط میانی یا خط منصف انجام شود. تنها مسأله ای که برای بررسی ما باقی می ماند این است که آیا این رویه تقریباً یکسان تقسیم آبها به معنای آن است که یک قاعده عرفی از پیش موجود دولتهای ساحلی را مکلف به انعقاد معاهداتی در مورد تقسیم آبها کرده است یا اینکه این رویه، که ابتدا در معاهدات تحدید حدود وجود داشته، رفته رفته با یک اعتقاد به الزامی بودن (Opinio Juris Sive necessitatis) همراه شده و در نتیجه دو عنصر لازم برای تشکیل یک قاعده عرفی را ایجاد کرده اند که دولتها را مکلف به برقراری یک حد آبی می کند؟

#### ۴-۲-۱- آیا رویه قراردادی دلیلی بر وجود

یک عرف از پیش موجود می باشد؟

اگر دولتهای منعقد کننده معاهدات تحدید حدود دریاچه ای، همان گونه که دیوان بین المللی دادگستری در قضیه تحدید حدود فلات قاره دریای شمال

\* . opinio Juris sive necessitatis.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



است اشکالی به این مسأله وارد باشد و آن این که اگرچه رویه مربوط به تعیین حد آبی یک رویه مستمر و متحدالشکل است اما دلیلی بر «اعتقاد به الزامی بودن» «آن، به عنوان عنصر معنوی ضروری برای تشکیل یک عرف، وجود ندارد. می توان اضافه کرد که رویه دیوان دائمی دادگستری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری حاکی از سخت گیری این دو رکن در مورد عنصر معنوی عرف است.<sup>۱۳۹</sup> ما برای رد این دلایل همراه با شارل دو ویشر (Charles de Visscher) می گوئیم که: «عملکرد قضایی در جهت نشان دادن این امر است که گاهی در مورد اثبات وجود عنصر معنوی عرف اغراق می شود. آنچه که واقعیت دارد این است که عملکرد قضایی صراحتاً به عنصر معنوی اشاره نمی کند مگر در مورد وجود عنصر مادی تردید وجود داشته باشد. برعکس، زمانی که شکی در مورد وجود عنصر مادی در میان نیست، دیوان وجود عنصر معنوی را از آن نتیجه می گیرد، یک رویه منسجم به لحاظ استمرار اجرائش در زمان به یک قاعده حقوقی تبدیل می شود».<sup>۱۴۰</sup>

بنظر می رسد که در مورد دریاچه های مرزی رویه مربوط به تعیین حد آبی بقدری روشن، متحدالشکل و مستمر است که بررسی دقیق در مورد وجود عنصر معنوی را بیهوده می نماید.<sup>۱۴۱</sup>

### ۳-۴. دکترین

ما از میان نقطه نظرات کلیه کسانی که در مورد تحدید حدود دریاچه های کار کرده اند اجتناب می کنیم و فقط به بیان برخی از مهمترین آنها اکتفا می نماییم.

۱۳۹. رش.

Affaire de Lotus (France C / Turquie), arrêt du 8 septembre 1927, CPJI, série A/B/ no 22, p. 28, et Affaire du Plateau continental de la mer du Nord, op. cit., p.44. par 77.

۱۴۰. رش.

Ch. de Visscher, Théories et réalités en droit international Public, 4<sup>e</sup> é d, (Paris: Ed A. Pedone, 1970), p. 172.

۱۴۱. رش.

E. de Vattel, Le droit des gens ou Principes de la loi naturelle (1754) (Washington, D.C: Dotation Carnegie pour la paix internationale, 1916), Vol. 1. p.239.

همانطور که ای دواتل می گوید: بطور کلی، نظر قاطعی که اکثر حقوقدانان دائر برتقسیم آب دریاچه میان دو یا چند دولت ارائه نموده اند شگفت آور است. تقریرات پ. فوشی،<sup>۱۴۲</sup> جی - بلونچلی،<sup>۱۴۳</sup> پ. گوگنهایم<sup>۱۴۴</sup> و ش. روسو<sup>۱۴۵</sup> هم در همین جهت می باشند. مع ذلک یادآوری این امر مناسب است که قدیمی ترین این نویسندگان (واتل، بلونچلی) در زمانی مطالب خود را به رشته تحریر درآورده بودند که تعداد اندکی از دریاچه ها تحدید حدود شده بودند و سایر نویسندگان فوق هم بطور خاص مسأله تحدید حدود دریاچه ها و بالاخص رویه دولتها در این مورد را بطور دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار نداده اند.

در عوض چنین وضعی در مورد آقای پ. پونداون<sup>۱۴۶</sup> که اخیراً کتابی تحت عنوان «دریاچه های - مرزی» نوشته است، صدق نمی کند. این نویسنده در جستجوی ایجاد مشابتهتی میان تحدید حدود رودخانه ها و دریاچه های بین المللی است؛ بخصوص تلاش می کند که تفکیک میان رودخانه های مجاور و پی در پی را به مورد دریاچه ها نیز تسری دهد. رودخانه های مجاور به رودخانه هایی اطلاق می شوند که میان دو دولت با ساحل مقابل یکدیگر واقع می باشند. در این حالت حد بوسنیه خط میانی رودخانه یا، اگر این رودخانه قابل کشتیرانی باشد، توسط خط القعرش، تعیین می شود. رودخانه های پی در پی جریانهای آبی هستند که از

۱۴۲. رش.

P. Fauchille, *Traité de droit international Public*, 8e éd (Paris): A Rousseau and Cie, 1925), 2e partie, T.I, no 519, p. 409.

۱۴۳. رش.

G. Bluntschli, *Le droit international codifié* (Paris, Guillaumin, 1895) article 316, p. 182.

۱۴۴. رش.

Guggenheim, *Traité de droit international public*, 1<sup>e</sup> éd, (Genève, Georg, 1953), T. I. p. 384.

۱۴۵. رش.

Ch. Rousseau "La condition internationale de la France" Cours de doctorat, paris, 1967-1968, p. 182 (Polycopié).

۱۴۶. رش. Pondaven, op. cit., n.6. pp. 75-76, 107-108.

سرزمین چندین دولت عبور می‌کنند. در این حالت حد بوسیله خط مستقیمی که دو نقطه از مرز زمینی در ساحل رودخانه را به یکدیگر متصل می‌کند تعیین می‌شود (نقشه شماره ۲۴ دیده شود).<sup>۱۴۷</sup>

پونداون دریاچه‌هایی را مجاور می‌داند که:

«بیشتر به رودخانه‌ها شباهت دارند تا به دریاها؛ و آن به لحاظ موازی بودن سواحلشان است که بیشترین طولشان در روی مرز دولتهای ساحلی قرار می‌گیرد که حد اصلی آن را تشکیل می‌دهد.»<sup>۱۴۸</sup>

او معتقد است که در چنین دریاچه‌هایی مرز همیشه با خط میانی خلط می‌شود و، زمانیکه بیش از دو دولت ساحلی وجود داشته باشند، آنها به تناسب میان آنها تقسیم می‌شود، این تناسب هم با توجه به طول ساحل متعلق به هر دولت ساحلی تعیین می‌شود. دریاچه‌هایی «پی در پی» محسوب می‌شوند که «شکلشان با شکل دریاچه‌های مجاور یکی است اما مرز در آنها از دولتی به دولت دیگر در جهت عرض تعیین می‌شود.»<sup>۱۴۹</sup> پونداون نتیجه می‌گیرد که در این حالت حد بطور بسیار ساده بخشی از مرز خشکی است و آن عبارت از خط مستقیم ساده‌ای است که دو نقطه مرز خشکی در سواحل دریاچه را به یکدیگر متصل می‌کند.<sup>۱۵۰</sup>

پونداون نظریه خود را بر شکل جغرافیایی دریاچه‌ها استوار می‌کند. اما این شکل (جغرافیایی) از دریاچه‌ای به دریاچه‌ی دیگر آن قدر متغیر است که نمی‌توان کلیه دریاچه‌ها را در این یا آن گروه جای داد. برای مثال، واضح است که دریاچه‌های تانگانیکا و لمان می‌توانند نسبت به دولتهای ساحلی خود «دریاچه‌های

۱۴۷. رش.

P. Sevette "Aspects Juridiques de l'aménagement hydroélectrique des fleuves et des Lacs d'intérêt commun" Nations Unies, Commission économique pour l'Europe, Comité de l'énergie électrique, Doc. E/ECE/136, E/ECE/EP/98/Rev. 1, p.14 (1952).

۱۴۸. رش. Pondaven, op. cit., n.6 p. 108

۱۴۹. رش. Ibid, p.75.

۱۵۰. رش. Ibid, p. 76.

مجاور» لحاظ شوند. همچنین بدیهی است که بخش شرقی دریاچه لوگانو می تواند در گروه «دریاچه های بی دری» قرار گیرد، اما آیا این چنین وضعی، برای مثال، در مورد دریاچه های ویکتوریا، تی تی کاکا، اسکوتاری، هورون، دیوآ و غیره هم وجود دارد؟ شکل آنها بیشتر گرد بوده و هرگونه طبقه بندی را بهم می ریزد. پونداون، در ادامه مطالب خود استدلال می کند که حد در «دریاچه های مجاور» بوسیله خط میانی ترسیم می شود در حالیکه در «دریاچه های بی دری» مرز ادامه مرز خشکی است؛ به این ترتیب که مرز (در دریاچه) خط مستقیمی است که محل تلاقی دو نقطه مرزی خشکی با سواحل دریاچه را به یکدیگر متصل می کند. اما، اگرچه این مطلب صحیح است که حد در دریاچه های به شکل «کشیده» اغلب خط آب است، اما همیشه به شکل خط میانی دقیق هندسی نیست. پونداون برای اثبات نظریه خود در مورد «دریاچه های بی دری» مورد دریاچه ماژور را مطرح می کند.<sup>۱۵۱</sup> اما حد در دریاچه ماژور یک خط مستقیم ساده ای نیست که محل تلاقی دو نقطه مرز خشکی در سواحل دریاچه را به یکدیگر متصل می کند؛ برعکس، بخش مرکزی حد دریاچه ماژور یک خط میانی می باشد که توسط دو خط جانبی به محل تلاقی دو نقطه مرز خشکی در سواحل دریاچه متصل شده است؛ این دو خط جانبی هم براساس روش منصف ترسیم نشده اند. بنظر ما این ملاحظات ثابت می کند که استفاده از حقوق رودخانه ای در مورد تفکیک جریانهای آبی «مجاور» و «بی دری» و تسری آن به حقوق دریاچه ای تا چه حد خطرناک است. شکل جغرافیایی رودخانه ها از شکل دریاچه ها، که می توانند اشکال مختلفی داشته باشند، منظم تر و با قاعده تر است. ما معتقدیم که هر دریاچه ویژگی جغرافیایی یا ژئومورفولوژیکی خود را دارد، و این باعث می شود که پیشنهاد پونداون در مورد تقسیم بندی دریاچه ها و عمومیت دادن آن به هیچوجه قابل توجیه نباشد.

۱۵۱. رش. Ibid و همچنین همین مقاله.

## ۴-۴. نتایج

ما معتقدیم که بتوانیم در پایان این بخش از مقاله حاضر، این چنین نتیجه گیری کنیم که اصل تقسیم آبها و حد آبی، و نه اصل حد ساحلی، قاعده عرفی شده است و برای دولتهای ساحلی که قصد انعقاد معاهده تحدید حدود یک دریاچه بین المللی را دارند لازم الاجرا است. این قاعده به هیچ وجه ویژگی یک قاعده آمره (Jus Cogens) را ندارد، و دولتهای ذی نفع طبیعتاً می توانند آن را بوسیله یک قاعده قراردادی مرعی ندارند، و برای مثال، حد ساحلی را انتخاب نمایند. قاعده تقسیم آبها فقط در مواردی اعتبار دارد که دولتهایی که می خواهند بوسیله قرارداد تحدید حدود کنند در مورد روش تحدید حدود توافق نداشته باشند. بدین ترتیب قاعده تقسیم قاعده ای است که بوسیله دادگاه بین المللی مسؤل رسیدگی به یک اختلاف تحدید حدود دریاچه ای اجرا می شود.

بنظر می رسد حد ساحلی که برای دریاچه مالایو لحاظ شده است نوعی تخلف قراردادی از قاعده (عرفی) تقسیم آبها باشد. لذا به هیچ وجه امکانپذیر نیست که با استناد به قاعده (تقسیم آبها) و حتی کمتر از آن با توسل به قاعده خط میانی، بتوان از مالایو خواست که از بخشی از آبهای دریاچه به نفع تانزانیا صرف نظر نماید. بنابراین تحدید حدود قراردادی که توسط قدرتهای استعماری انجام شده است باید در یک چارچوب کلی تر که همانا «قبول» مرزهای استعماری از سوی دولتهای جدید الاستقلال است مورد بررسی قرار گیرد. اما، همانگونه که ملاحظه کردیم، دولتهای آفریقایی علی الاصول مرزهای قدیمی استعماری را پذیرفته اند.<sup>۱۵۲</sup> این بدان معناست که تحدید حدود فعلی دریاچه مالایو چندان منصفانه نیست و حفظ حسن همجواری و روابط دوستانه میان دو دولت ساحلی ایجاب می کند که با انعقاد معاهده ای میان مالایو و تانزانیا مرز از حد ساحلی به خط تقسیم آبها تغییر نماید.

۱۵۲. رجوع شود به همین مقاله.

## دریاچه‌هایی که با معاهده تحدید حدود نشده‌اند

### ۱-۵. دریای خزر

دریای خزر با ۳۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع تا بحال موضوع چند معاهده منعقدہ فیما بین ایران و روسیه و سپس ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار گرفته است بدون آن که بطور کامل تحدید حدود شود. معاهده گلستان منعقدہ فیما بین ایران و روسیه (تزاری) در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در ماده ۵ خود اشعار می‌دارد «کشتی‌های تجاری روسی، مانند گذشته، از حق دریانوردی در کلیه آبها و سواحل دریای خزر برخوردار می‌باشند در مورد کشتی‌های جنگی، همچون قبل از جنگ، و همچنین در زمان صلح و در کلیه زمانها، فقط کشتی‌های روسی حق دریانوردی در دریای خزر را دارند و این حق انحصاری است و هیچ کشتی جنگی به استثنای کشتی‌های جنگی روسی حق دریانوردی در دریای خزر را ندارند.<sup>۱۵۳</sup>»

این مقررات در ماده ۸ معاهده صلح ترکمانچای مورخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸، که جانشین معاهده گلستان گردید، گنجانده شد.<sup>۱۵۴</sup>

تنها بعد از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ است که جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی حق برابری کشتیرانی در دریای خزر را برای پارس (ایران) به رسمیت شناخت. معاهده مودت منعقدہ فیما بین ایران و شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ اشعار می‌دارد «طرفین معظمین متعاهدین از حق مساوی در دریانوردی آزاد

۱۵۳. رش. G.F. de Martens, Nouveau Recueil de Traités, Vol. 4, p. 89.

۱۵۴. رش. Ibid, Vol 7, p. 564.

و در دریای خزر در تحت پرچم خود از تاریخ امضای معاهده حاضر بهره مند می شوند».<sup>۱۵۵</sup>

از آنجا که معاهده ۱۹۲۱ هیچ گونه تفکیکی فیما بین کشتی های تجاری و جنگی قائل نمی شود پس حق آزادی کشتیرانی شامل کشتی های جنگی ایران هم می شود.

[معاهده دیگری تحت عنوان بحرپیمایی و بازرگانی در ۱۹۴۰ فیما بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی منعقد شده است و طبق بند ۴ ماده ۱۲ این معاهده هریک از دولتهای ساحلی دارای یک منطقه ۱۰ مایلی انحصاری ماهیگیری می باشند. این معاهده وضعیت بخش های دیگر را بصراحت مشخص نکرده است].\*

آنچه مسلم است این که تا بحال معاهده ای در جهت تقسیم دریای خزر به مناطق تحت حاکمیت دولتهای ساحلی منعقد نشده است<sup>۱۵۶</sup> و آنچه از معاهده ۱۹۲۱ (و همچنین معاهده ۱۹۴۰) بر می آید بهره برداری مشترک از این دریاچه توسط دولتهای ساحلی است.<sup>\*\*</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱۵۵. رش.

Société des Nations, Recueil des Traités Vol. 9, p.400 (article 11 du Traité).

\*. با توجه به این که نویسنده به معاهده ۱۹۴۰ اشاره نکرده است این قسمت توسط مترجم اضافه شده است.

۱۵۶. رش.

Ch. Rousseau, Droit International Public, 3e éd Paris, Dalloz, 1976), p.161.

\*. باید توجه داشت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش دولتهای ساحلی جدید همچون آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بحث تعیین نظام حقوقی دریای خزر به یکی از مباحث حقوقی روز تبدیل شده است.

## ۲-۵. دریاچه کنستانس: ۱۵۷

### ۱-۲-۵. وضعیت فعلی اختلافات دولتهای

#### ساحلی دریاچه کنستانس

دریاچه کنستانس که توسط رودخانه راین با سرچشمه گرفتن از کوه آلپ تغذیه می شود فی مابین اتریش، آلمان و سوئیس قرار دارد. این دریاچه با ۵۳۹ کیلومتر مربع از سه بخش تشکیل شده است؛

I. اوبرلینزرزی (Überlingersee): این بخش بازوی دریاچه بوده که کاملاً

محاط در خاک آلمان است و به این لحاظ تحت حاکمیت این کشور می باشد.

II. دریاچه انفریور (Inférieur): این بخش از دریاچه مابین سرزمین

سوئیس و آلمان قرار گرفته است و از طریق انعقاد کنوانسیون با استفاده از روش خط میانی فیما بین آن دو کشور تقسیم شده است. تحدید حدود این بخش به سال ۱۵۵۴ باز می گردد، یعنی زمانی که کانتونهای حاکم در سوئیس در تورگوی (Turgovie) و اوک (Eveque) کنستانس توافق کرده بودند که «قسمت چپ دریاچه انفریور از لحاظ حقوقی می تواند متعلق به کنفدره ها (Confédérés) باشد».<sup>۱۵۸</sup> این تحدید حدود در کنوانسیون منعقد فیما بین سوئیس گراند-دوشه دو باد (Grand - Duché de Bade) در ۳۱ - ۲۰ اکتبر ۱۸۵۴ مورد تأیید و تدقیق قرار گرفت.<sup>۱۵۹</sup>

III. دریاچه سوپریور: دریاچه سوپریور بزرگترین بخش دریاچه است که فیما بین

۱۵۷. برای بررسی دقیق نظام حقوقی دریاچه کنستانس رش.

Grafschelling et Schenk Ralph Zacklin, Lucius Cafilisch "Le régime Juridique des fleuves et des Lacs internationaux, Martinus, 1981, p. 97 - 127.

۱۵۸. رش.

G. Rivo "L'exercice des droits de souveraineté sur le Lac de Constance" Annuaire Suisse de droit international 24 (1967): 18.

۱۵۹. رش. R.S. Vol 11. p.44.



سوئیس آلمان و اتریش قرار داد. در این بخش بجز قسمت قیفی شکل کنستانس که مقابل شهر کنستانس قرار دارد، هیچگونه تحدید حدود قراردادی وجود ندارد. با کنوانسیون منعقدہ فی مابین سوئیس و گراند-دوشہ دو باد در ۲۸ آوریل ۱۸۲۸ در مورد تنظیم مرز در نزدیکی کنستانس، دو دولت در واقع توافق کردند کہ قسمت قیفی شکل کنستانس را با استفاده از روش خط میانی تقسیم کنند.<sup>۱۶۰</sup> این تحدید حدود در کنوانسیون منعقدہ فی مابین سوئیس و رایش آلمان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۸ در خصوص جابجایی مرز میان کانتون تورگوی و منطقه شهر کنستانس مورد تأیید و تدقیق قرار گرفت.<sup>۱۶۱</sup>

## ۲-۲-۵. موضع دولتهای ساحلی در مورد مسأله

### حاکمیت سرزمینی بر دریاچه سوپریور :

سوئیس در این مورد از دیرباز و بطور دائم اعلام کرده است کہ حاکمیت سرزمینی آن کشور تا وسط دریاچه سوپریور ادامه دارد.<sup>۱۶۲</sup> سوئیس امیدوار است کہ این بخش از دریاچه کنستانس بطور قراردادی یا براساس روش بکار رفته در دریاچه انفریور و قسمت قیفی شکل کنستانس یا طبق روش خط میانی تحدید حدود شود.<sup>۱۶۳</sup>

آلمان، با اتخاذ موضعی نرمتر نسبت به سوئیس، متمایل به استفاده از همین روش است.<sup>۱۶۴</sup> چونکہ آلمان، بعد از سوئیس، بیشترین بخش سواحل دریاچه را در اختیار دارد و لذا تحدید حدود براساس روش خط میانی به نفعش می باشد. در عوض، بخشی از ساحل دریاچه کہ به اتریش تعلق دارد، بسیار محدود و

۱۶۰. رش. Ibid, p.47.

۱۶۱. رش. Ibid, p.53.

۱۶۲. این موضوع بوسیله Riva بطور دقیق تشریح شده است. رش. G. Riva op. cit., pp. 43 - 46

۱۶۳. رش. همین مقاله.

۱۶۴. رش. Riva, op. cit., pp.297 - 298.

بعلاوه مقعر می باشد. شکل ساحل اتریش در این دریاچه یادآور شکل ساحل آلمان در مقابل سواحل دانمارک و هلند در قضیه تحدید حدود فلات قاره دریای شمال می باشد. به یاد می آوریم که این قضیه مربوط به مسأله تحدید حدود فلات قاره میان سه دولت طرف اختلاف بود. نتیجه ای که از اعمال روش خط منصف در این قضیه بدست آمد توسط دیوان بین المللی دادگستری بدین شکل توضیح داده شده است.

«زمانیکه دو خط منصف از یک ساحل بسیار مقعر ترسیم شوند، الزاماً یکدیگر را در فاصله کمی از ساحل قطع می کنند؛ بنابراین منطقه فلات قاره ای که بدین ترتیب بدست می آید بشکل مثلثی است که رأس آن بسوی پهنه دریا قرار دارد، این حالت، همانگونه که آلمان مدعی است، دولت ساحلی (آلمان) را از داشتن مناطق فلات قاره واقع در خارج از این مثلث محروم می کند.»<sup>۱۶۵</sup>

اگر ما (در عبارت فوق) بجای اصلاح «فلات قاره» اصطلاح «آبهای دریاچه ای» و بجای کلمه «پهنه دریا» کلمه «مرکز دریاچه» را قرار دهیم خواهیم فهمید که چرا اتریش همیشه از پذیرش تحدید حدود براساس روش خط میانی سرباز می زند.<sup>۱۶۶</sup> و معتقد است که آب دریاچه سوپریور یک کندومینوم (Condominium) را تشکیل می دهد که هر دولت ساحلی حاکمیت خود را در تمام گستره آنها اعمال می کند. برداشت جدیدی از این نظریه این است که:

کشورهای ساحلی تا منطقه ای از دریاچه، که از سواحل شروع و تا عمق ۲۵ متری ادامه دارد حاکمیت انحصاری دارند، و بقیه دریاچه سوپریور تحت حاکمیت مشترک می باشد.<sup>۱۶۷</sup>

Affaire du plateau continental de la mer du Nord, op. cit., par 8. رش. ۱۶۵. p.18.

این نقل قول فقط برای این آورده شده است که وضعیت جغرافیایی خاصی را تشریح کند و نتایج ناشی از کاربرد خط منصف در چنین وضعیت را که گاهی اغراق آمیز هم هستند نشان دهد. بنابراین ما به هیچ وجه در پی این نیستیم که قیاس یا تشابهی را میان قواعد مربوط به فلات قاره و اصول حاکم بر تحدید دریاچه ها برقرار نماییم.

Riva, op. cit., p. 43. رش. ۱۶۶.

Ibid. p.64. رش. ۱۶۷.

این نظریه، که الهام گرفته از حقوق دریا و بویژه معیار عمق ۲۰۰ متر برای تعیین حد خارجی فلات قاره است بشدت از سوی سوییس رد می شود.<sup>۱۶۸</sup> مواضع متضادی که تشریح شد بما اجازه بیان این مطلب را می دهند که در هر صورت هیچ «عرف محلی» وجود ندارد که دولتهای ساحلی را مکلف کند که حاکمیت خود را در ورای خط میانی دریاچه گسترش ندهند.

اتریش، در واقع، هرگز وجود چنین عرفی را نپذیرفته است؛ در طول این مقاله توانستیم این مسأله را احراز کنیم که نمی توان وجود یک عرف عام را، که طبق آن در صورت عدم وجود مرز قراردادی خط میانی مرز خواهد بود، اثبات کرد. به علاوه آقای جی - ریوا (G - Riva)، در مقاله خود در مورد دریاچه کنستانس، که کم و بیش موضع رسمی دولت سوییس را بیان می کند، از صحبت در مورد وجود یک قاعده عرفی لازم الاجرا برای اتریش اجتناب می کند.<sup>۱۶۹</sup> او به انتقاد از نظریه کندومینیوم بسنده می کند، و سپس با محدود کردن خود به تاریخ دریاچه کنستانس و رویه قضایی داخلی، مواضع سوییس و آلمان را بیان می کند. او در این مورد به این نتیجه می رسد که تقسیم آنها براساس روش خط میانی ممکن است بهترین راه حل باشد.<sup>۱۷۰</sup> و اعلام می کند که وضعیت فعلی دریاچه سوپریور یک وضعیت متروکی شده است چونکه دولتها متمایل به تعریف دقیق مرزهای خود می باشند برای این که بطور مشخص حدود حاکمیت ملی خود را برای بهره برداری بهتر از منابع طبیعی تعیین نمایند.<sup>۱۷۱</sup> آقای ریوا، سرانجام پیشنهاد می کند که مذاکرات برای دستیابی به یک تحدید حدود قراردادی آغاز شود.<sup>۱۷۲</sup>

\*. لازم به تذکر است که نویسنده معیار مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد فلات قاره را مدنظر داشته و توجهی به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا ندارد.

۱۶۸. رش. Loc cit.

۱۶۹. رش. Riva, op. cit.

۱۷۰. رش. Ibid, p.61.

۱۷۱. رش. Ibid, p. 58.

۱۷۲. رش. Ibid, pp. 64-65.

نظریه کندومینیوم از سوی دکترین و رویه قضایی داخلی دولتهای ساحلی نیز رد شده است.<sup>۱۷۳</sup> این نظریه توسط سوییس و کمی ضعیف تر از طرف آلمان مردود اعلام شده است. بنابراین امتیازی برای وجود «عرف محلی» دایر بر شناخت یک حاکمیت مشترک برای دولتهای ساحلی بر آبهای دریاچه متصور نیست.

این وضعیت سبب طرح این سؤال برای ما می شود که، با توجه به عدم وجود راه حل قراردادی، دریاچه کنستانس چه وضعیت حقوقی دارد؟ اگر روش خط میانی به علت مخالفت اتریش برای آن کشور لازم الاجرا نیست، پس قاعده کندومینیوم پیشنهادی اتریش نیز، به همان دلیل، برای سوییس لازم الاجرا نیست چون که آن کشور بطور دائم با چنین قاعده ای مخالفت کرده است. ما به سهم خود، معتقدیم که راه حل مشکل بای در اصل «کارآیی»<sup>\*</sup> در حقوق بین الملل عمومی و بطور خاص در اصل کارایی سرزمینی نظم حقوقی دولتی جستجو شود. این کارآیی زمانی وجود دارد که یک دولت، روی سرزمینی که ادعای داشتن حاکمیت می کند، فعالیتهایی بکند که فقط حاکم سرزمینی می تواند انجام دهد، بشرط آن که انجام این فعالیتها مستمر و مسالمت آمیز باشد، به گونه ای که ماکس هوبر در قضیه جزیره پالماس به آن اشاره می کند.<sup>۱۷۴</sup> در یک چنین فضایی است که دیوان دائمی دادگستری بین المللی در رأی مورخ ۵ آوریل ۱۹۳۳ خود در قضیه «وضعیت حقوقی گروئنلند شرقی» می گوید که:

«فرصت مناسبی است که به این نکته اشاره شود که ادعای حاکمیت مبتنی بر اجرای مستمر قدرت و نه مبتنی بر برخی از اسناد یا عناوین، همچون یک معاهده

۱۷۳. رش.

A. Coret, "Le condominium" (Paris: Librairie générale de droit et de Juris-prudence, 1960). pp. 145-147.

\*. Effectivité.

۱۷۴. رش.

Max Huber, arbitre unique, sentence arbitrale d'avril 1925 en affaire de l'île de Palmas, Nations unies, Recueil des sentences arbitrales, Vol, II, p.840, parle du "principe that continuous and Peaceful display of the function of State within a given region is a constituent element of territorial sovereignty ...".

انتقال، زمانی قابل قبول است که وجود دو عنصر ثابت شود: که یکی میل و اراده به عمل کردن به عنوان (قدرت) حاکم و دیگری تجلی یا اجرای مؤثر این قدرت می باشد».<sup>۱۷۵</sup>

اگر ما این نظر کلی را در مورد مشکل خاص خود (دریاچه کنستانس) اعمال کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اگر دولتی ساحلی مدعی اعمال حاکمیت بر بخشی از دریاچه کنستانس باشد، باید ثابت کند که صلاحیتهای دولتی سرزمینی خود را بطور مؤثر بر آن بخش مورد ادعا اعمال می‌کند. بنابراین ما معتقدیم که حاکمیت هریک از دولتهای ساحلی تا آن خط فرضی پیش می‌رود که در ورای آن خط آن دولت اجرای مؤثر اختیارات خود را متوقف می‌کند. این خط فرضی می‌تواند با خط میانی دریاچه یکی شده یا نشود.



## نتیجه گیری

نتایج این مقاله می‌تواند در سه نکته خلاصه شوند:

۱. دولتهای ساحلی دریاچه‌های بین‌المللی، که تابحال مبادرت به تحدید حدود آنها نموده‌اند، این کار را از طریق انعقاد و موافقتنامه انجام داده‌اند. این موافقتنامه‌های تحدید حدود، به استثنای یک مورد، حد آبی (مرز در آب) را پذیرفته‌اند.<sup>۱۷۶</sup> این هماهنگی اسناد قراردادی ما را به این نتیجه می‌رساند که یک قاعده عرفی در این راستا شکل گرفته است. طبق این قاعده، خط تقسیم باید یک

۱۷۵. رش.

Affaire de statut Juridique de Groenland oriental (Norège C/Danmark), CPJI, Série A/B no 53, pp. 45-46.

۱۷۶. منظور دریاچه مالای است، دریاچه تی بارد در واقع موضوع یک معاهده تحدید حدود به معنای خاص نشده است.

حد آبی باشد، مع ذلک این قاعده، بدون این که یک قاعده آمره باشد، می تواند از طریق انعقاد یک کنوانسیون، که حد ساحلی را می پذیرد، کنار گذاشته شود. در این حالت راه حل انتخابی فقط به نفع یکی از دولتهای ساحلی خواهد بود.

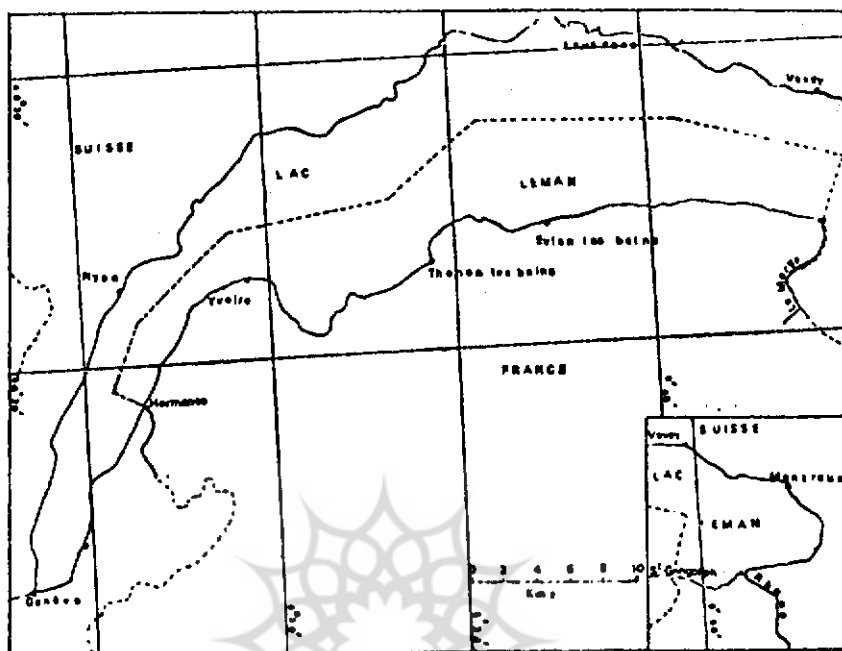
۲. در عوض، روش تقسیم خود به هیچ وجه موضوع یک قاعده عرفی نیست و به انتخاب دولتها گذاشته شده است. روش تقسیم در اختیار دولتهاست که، پس از مذاکرات، در مورد یک خط تقسیم توافق می کنند. خط میانی، که امتیازاتی هم دارد، اعتبار عرفی نداشته و اغلب کنار گذاشته شده است.

۳. در صورت عدم موافقتنامه خاص، حاکمیت هر دولت ساحلی تا نقطه ای ادامه دارد که در ورای آن این دولت اجرای مؤثر اختیارات عمومی خود را متوقف می کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Carte I. Le lac Léman

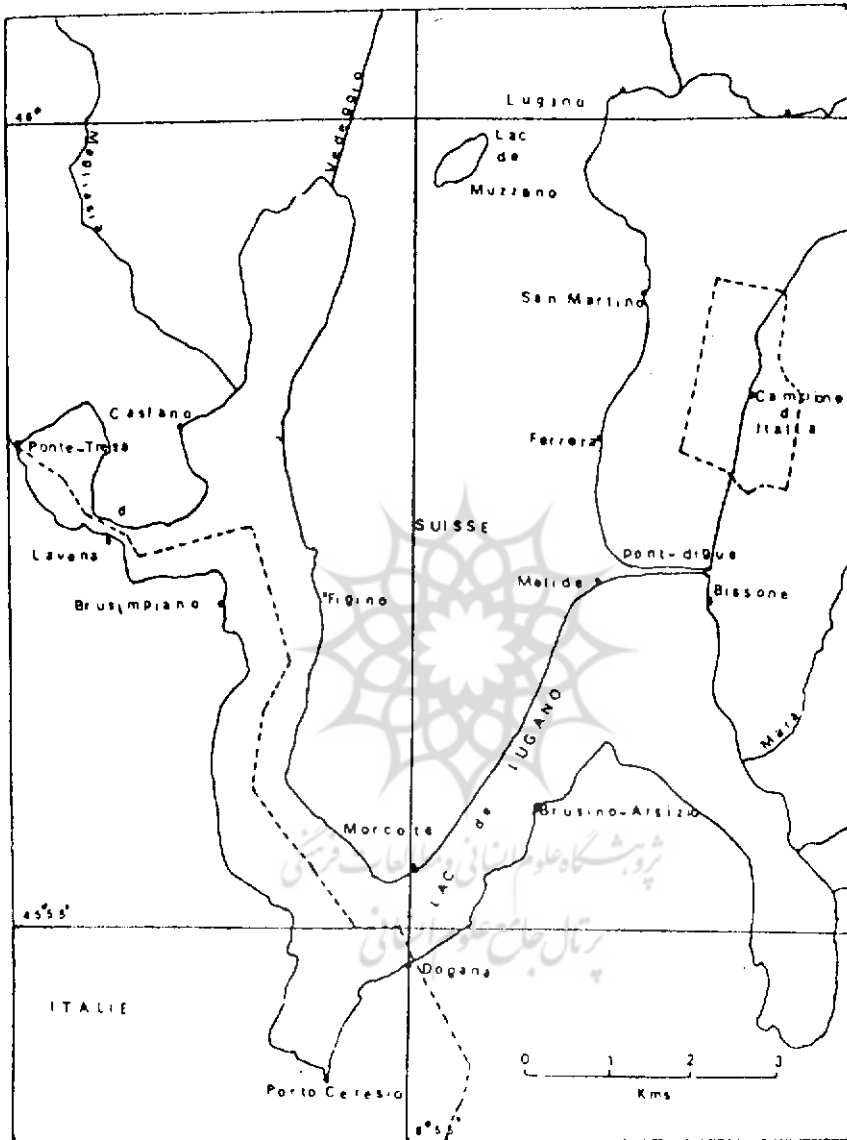


Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière* (Paris: Ed. A. Pedone, 1972), p. 380.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۱: دریاچه لمان

Carte IIa. Le lac de Lugano  
(voir aussi la Carte IIb)

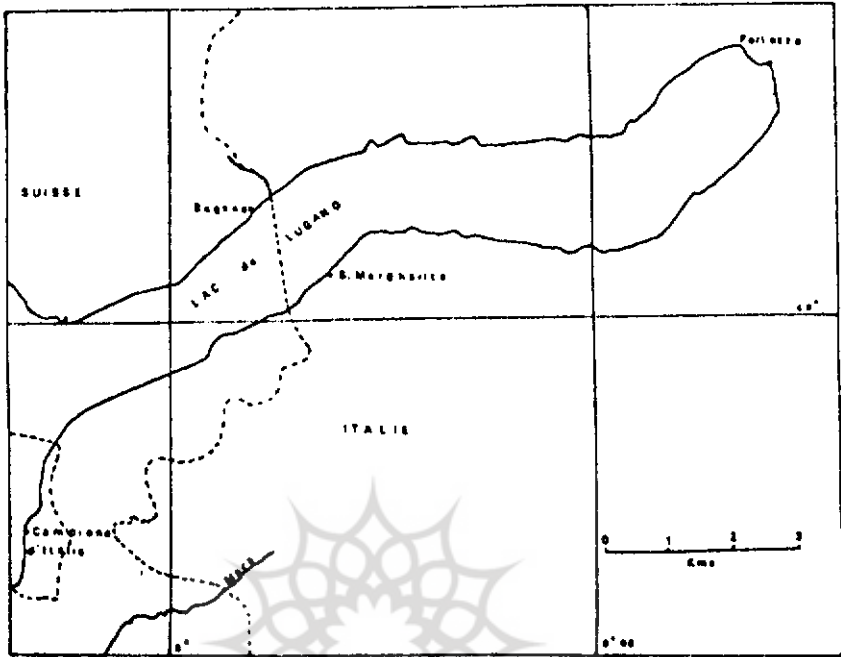


Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 382.

نقشه شماره ۲ - الف: دریاچه لوگانو



Carte IIb. Le lac de Lugano (partie orientale)  
(voir aussi la Carte IIa)

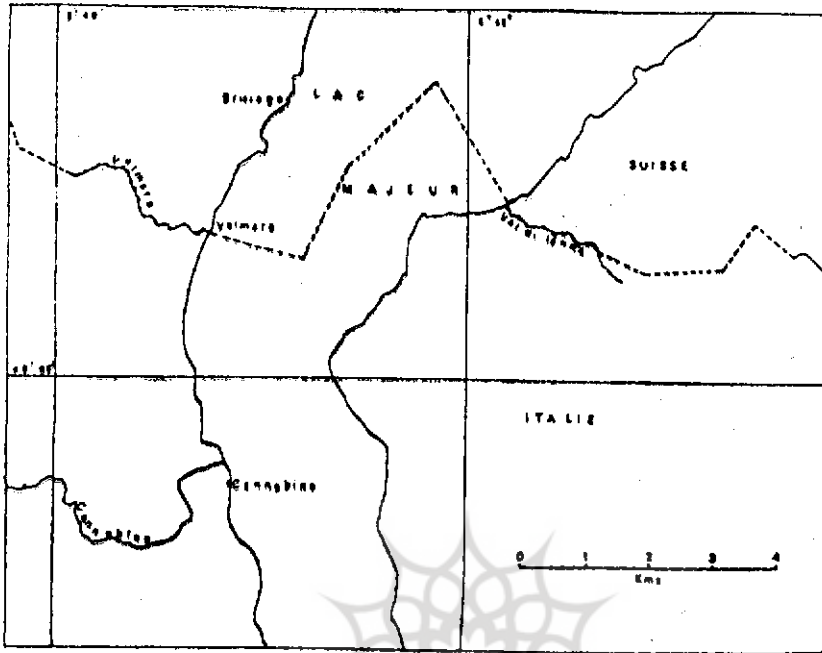


Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 383.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۲ - ب: دریاچه لوگانو (بخش شرقی)

Carte III. Le lac Majeur



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 384.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۳: دریاچه مازور

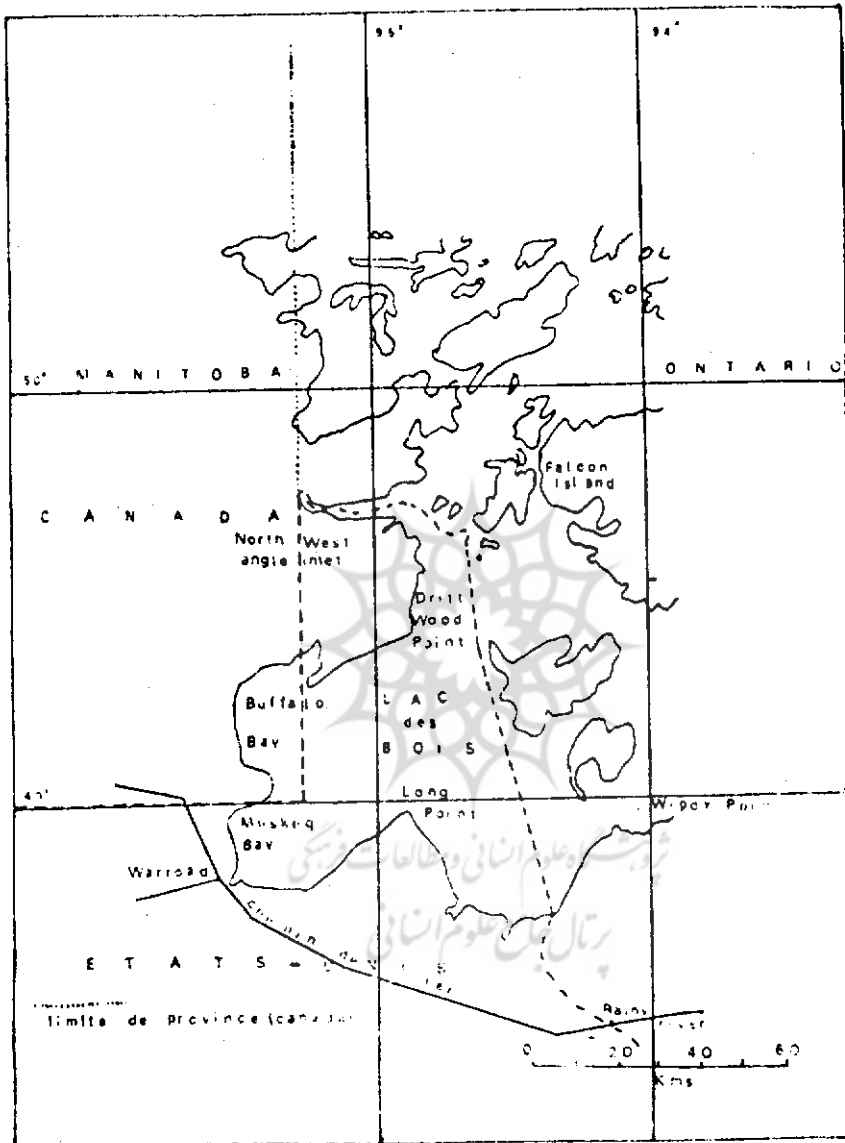
Carte IV. Les lacs balkaniques



Source: Office of the Geographer, Department of State, *International Boundary Studies*, Albania-Yugoslavia Boundary, no 116.

نقشه شماره ۴: دریاچه های بالکان

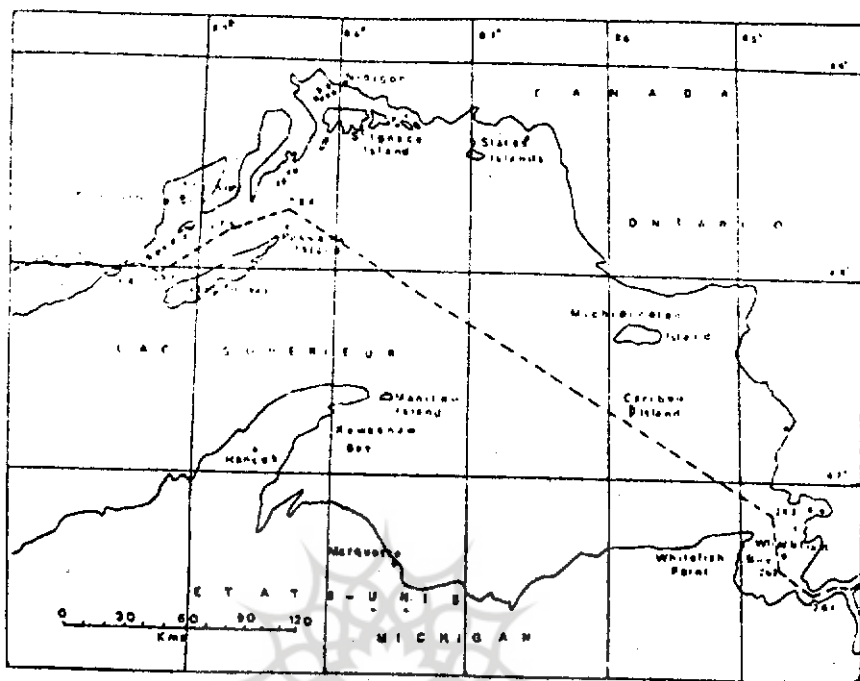
Carte V. Le lac des Bois



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 398.

نقشه شماره ۵: دریاچه دیوآ

Carte VI. Le lac Supérieur

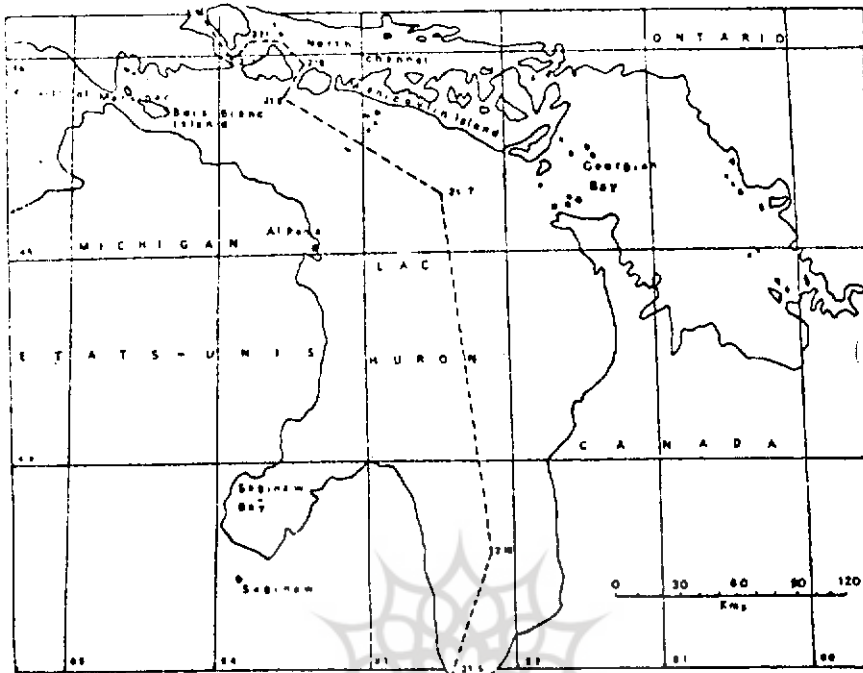


Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 399.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۶: دریاچه سوپریور

Carte VII. Le lac Huron

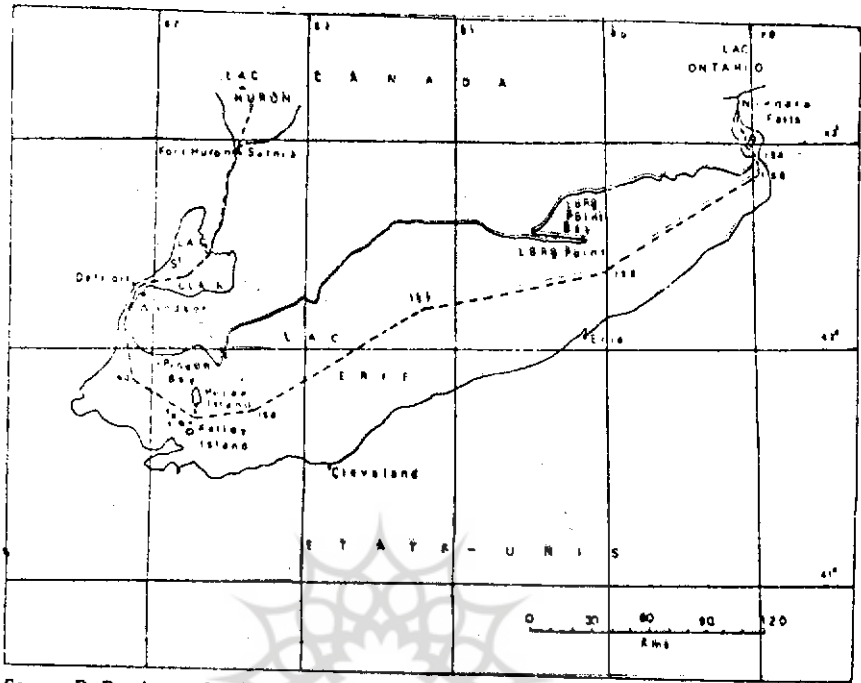


Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 400.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۷: دریاچه هورون

Carte VIII. Les lacs Erié et St-Clair

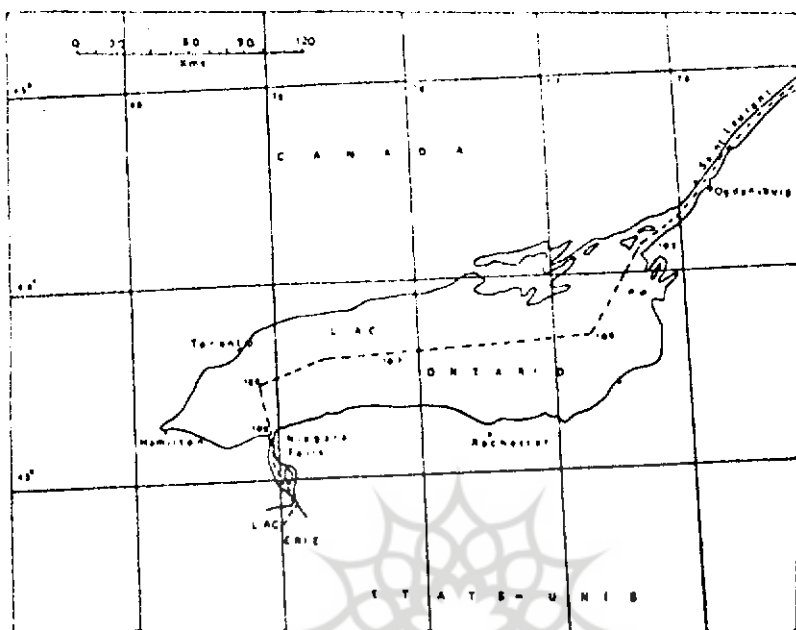


Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 401.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۸: دریاچه های اریه و سن - کلر

Carte IX. Le lac Ontario



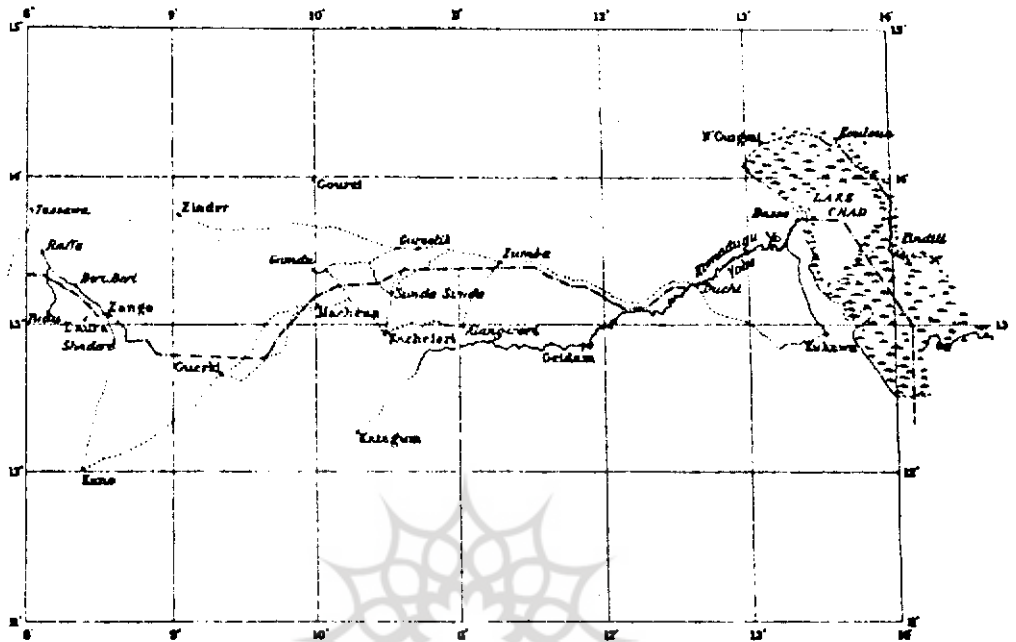
Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 402.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۹: دریاچه اونتاریو



Carte X. Délimitation du lac Tchad selon la Convention du 29 mai 1906 entre la Grande-Bretagne et la France



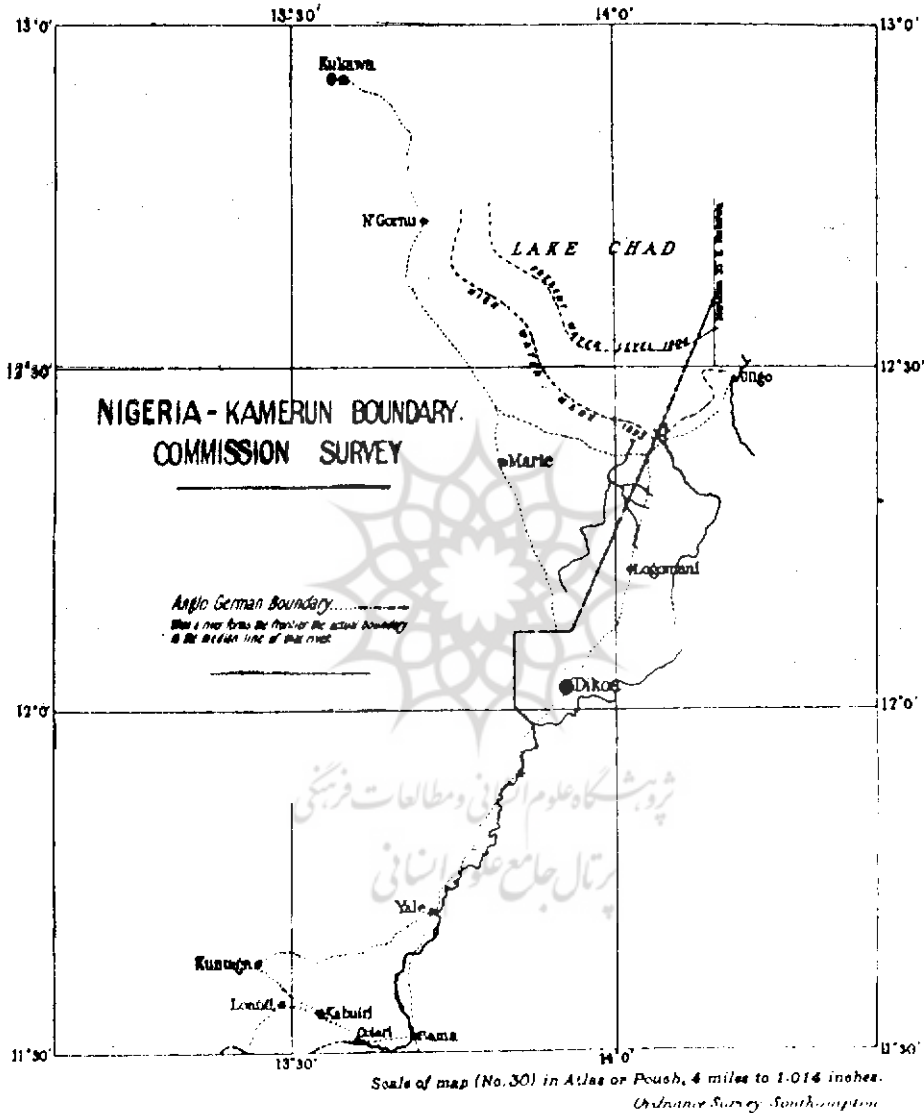
Scale of Map (No. 10) in Atlas of Persia, 18 miles to 1 014 inches.

Source: E. Hertslet, *The Map of Africa by Treaty*, 3e éd., 3 vol. (Londres: Harrison and Sons, 1909), vol. II, p. 864.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره ۱۰: تعیین حدود دریاچه چاد بر اساس کنوانسیون  
 ۲۹ می ۱۹۰۶ فیما بین انگلستان و فرانسه

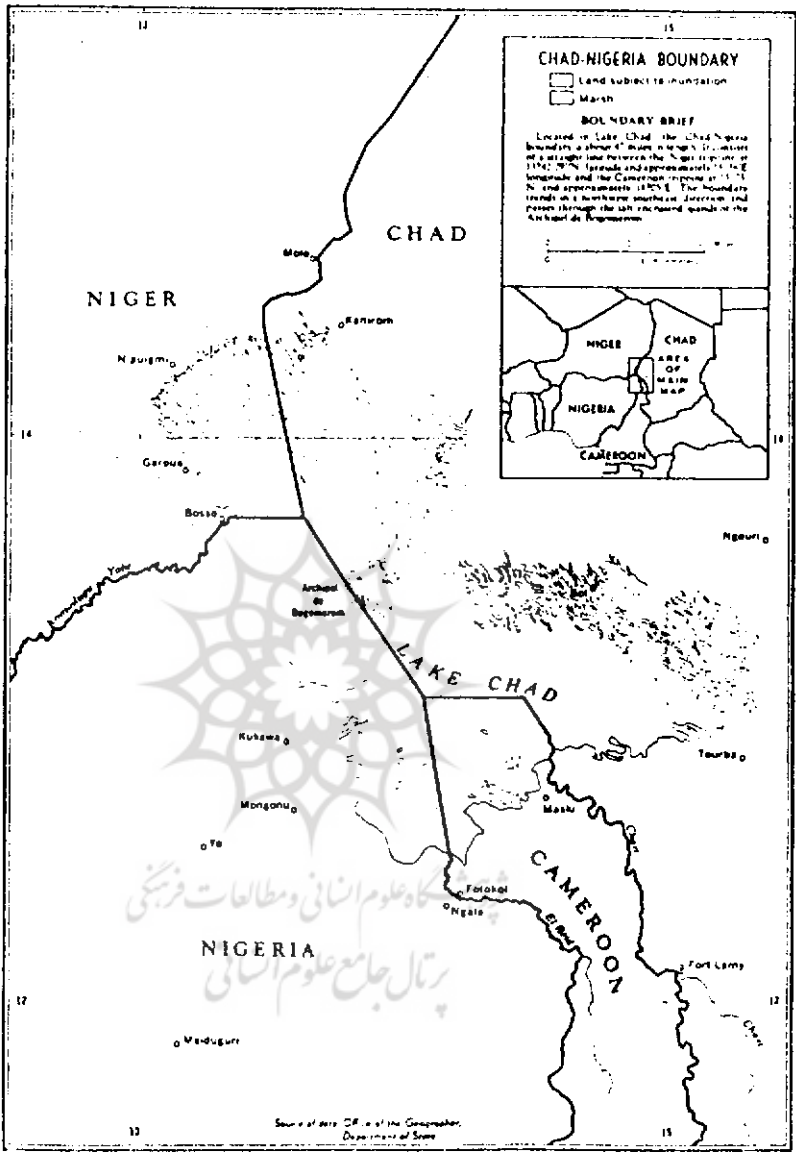
**Carte XI. Délimitation du lac Tchad selon l'Accord du 19 mars 1906 entre la Grande-Bretagne et l'Allemagne**



Source: E. Hertslet, op. cit., vol. III, p. 940.

نقشه شماره ۱۱: تعیین حدود دریاچه چاد بر اساس موافقتنامه  
۱۹ مارس ۱۹۰۶ انگلستان و آلمان

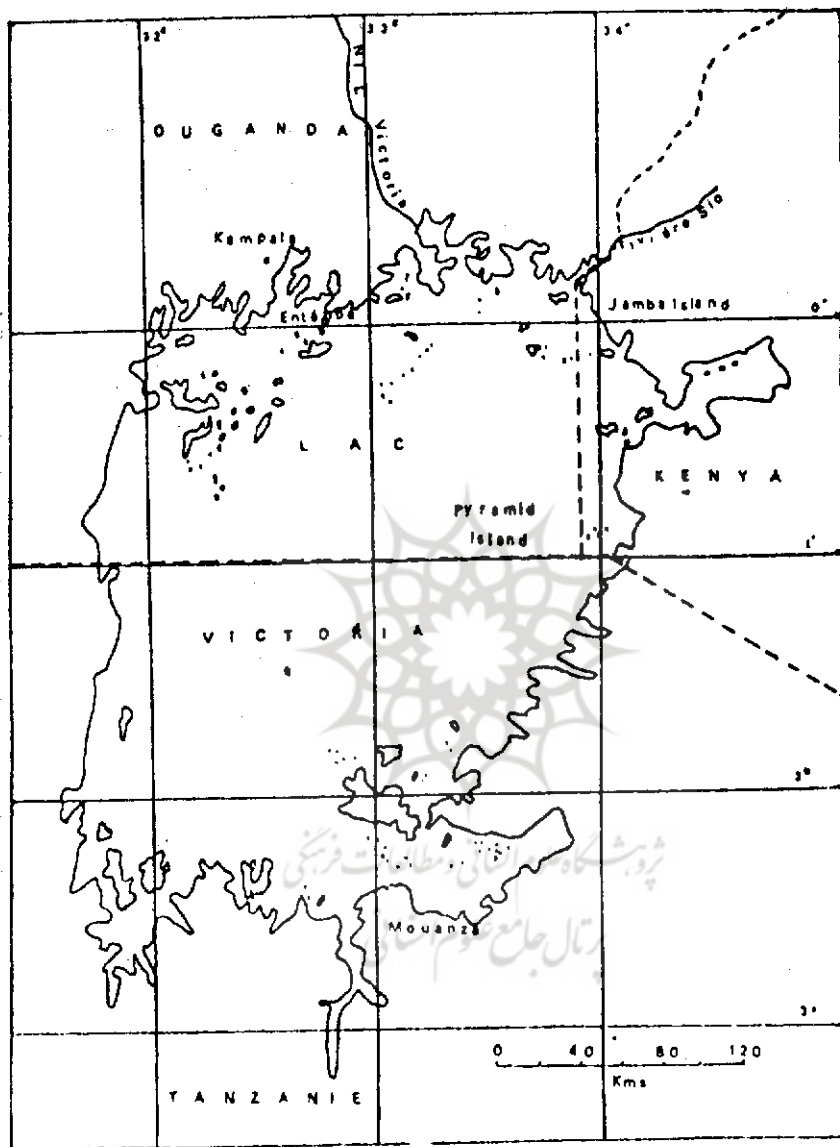
Carte XII. Le lac Tchad



Source: Office of the Geographer, Department of State, *International Boundary Studies*. Chad-Nigeria Boundary, no 90.

نقشه شماره ۱۲: دریاچه چاد

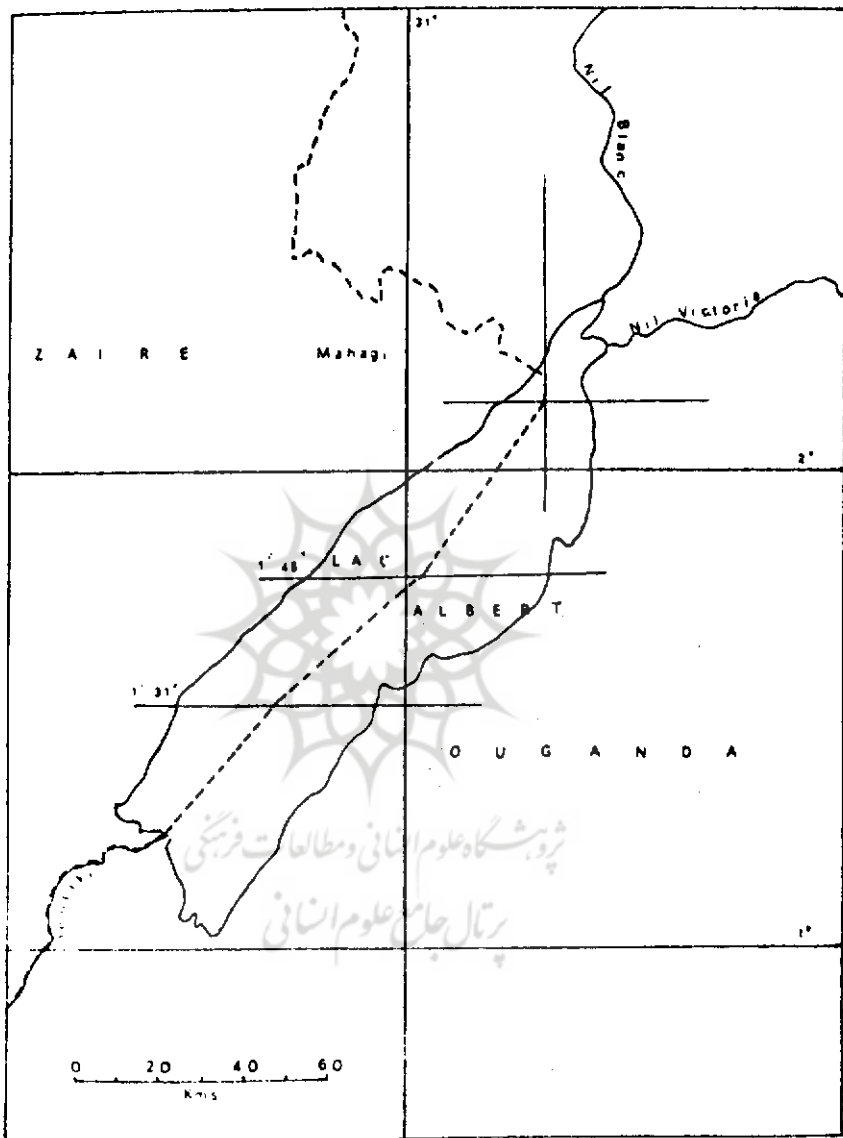
Carte XIII. Le lac Victoria



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 390.

نقشه شماره ۱۳: دریاچه ویکتوریا

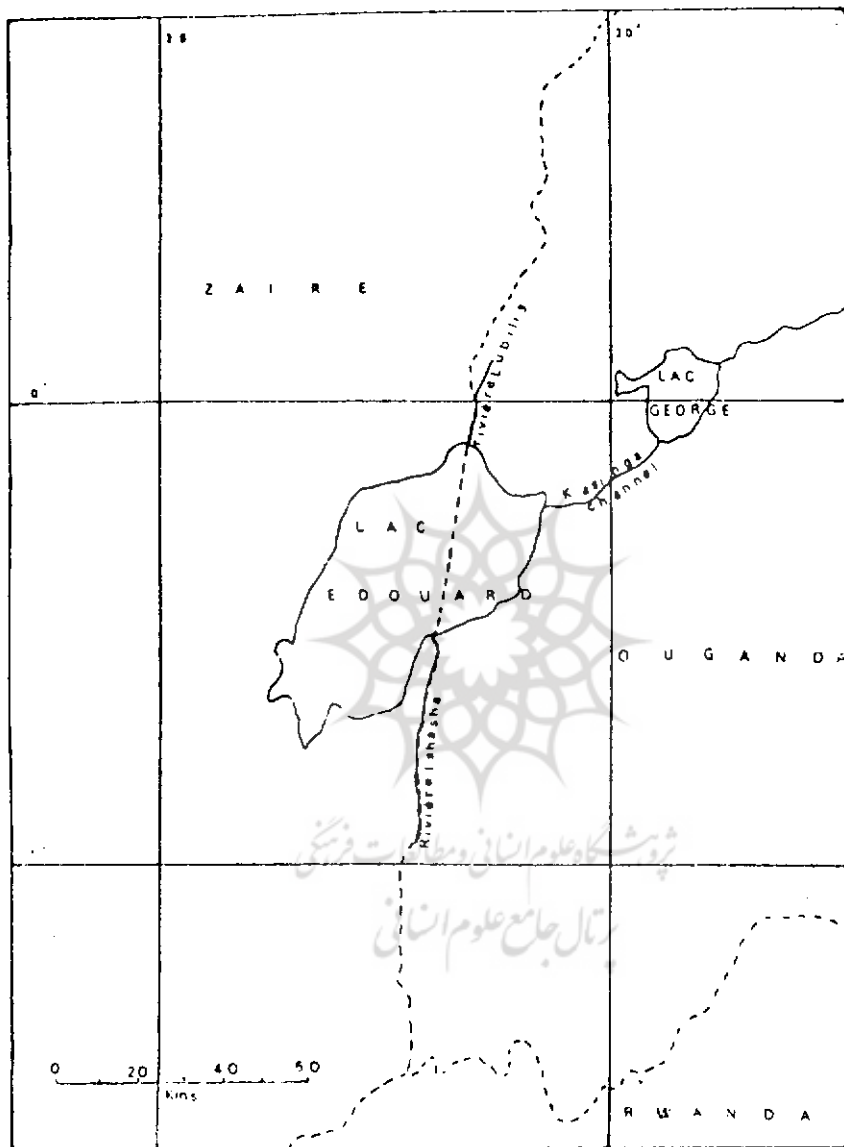
Carte XIV. Le lac Albert



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 391.

نقشه شماره ۱۴: آلبرت

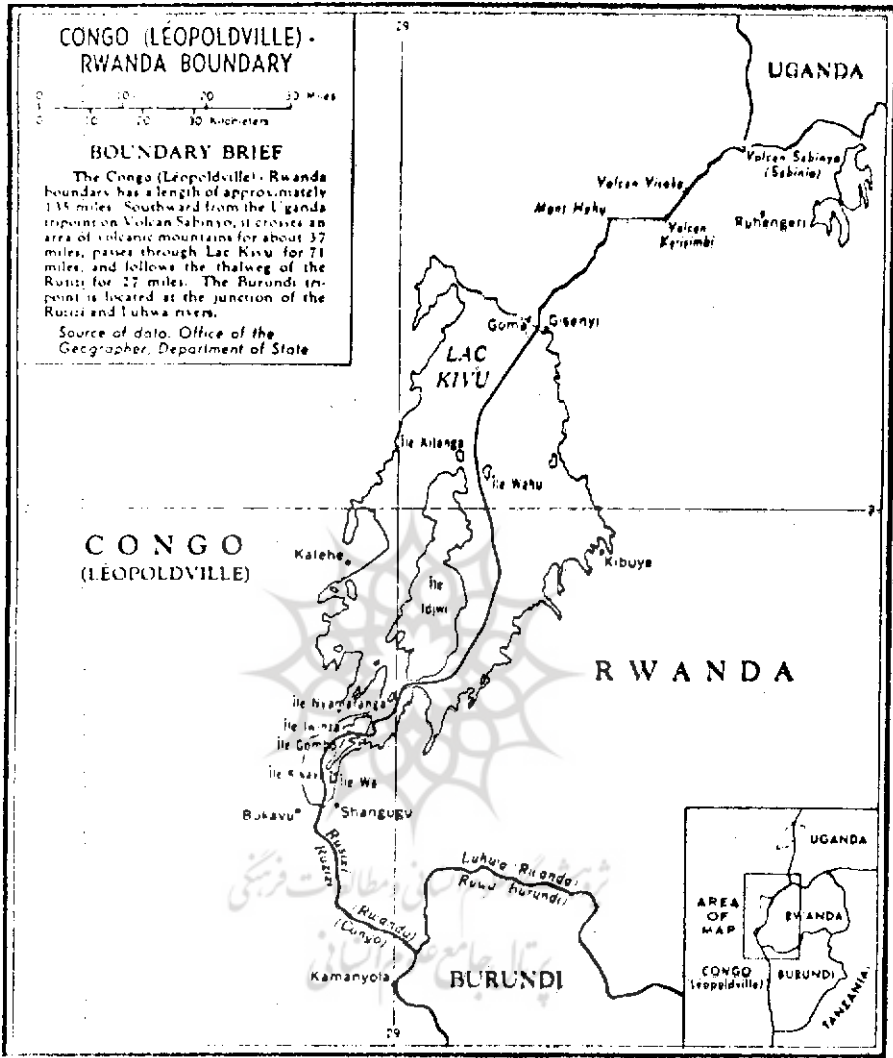
Carte XV. Le lac Edouard



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 392.

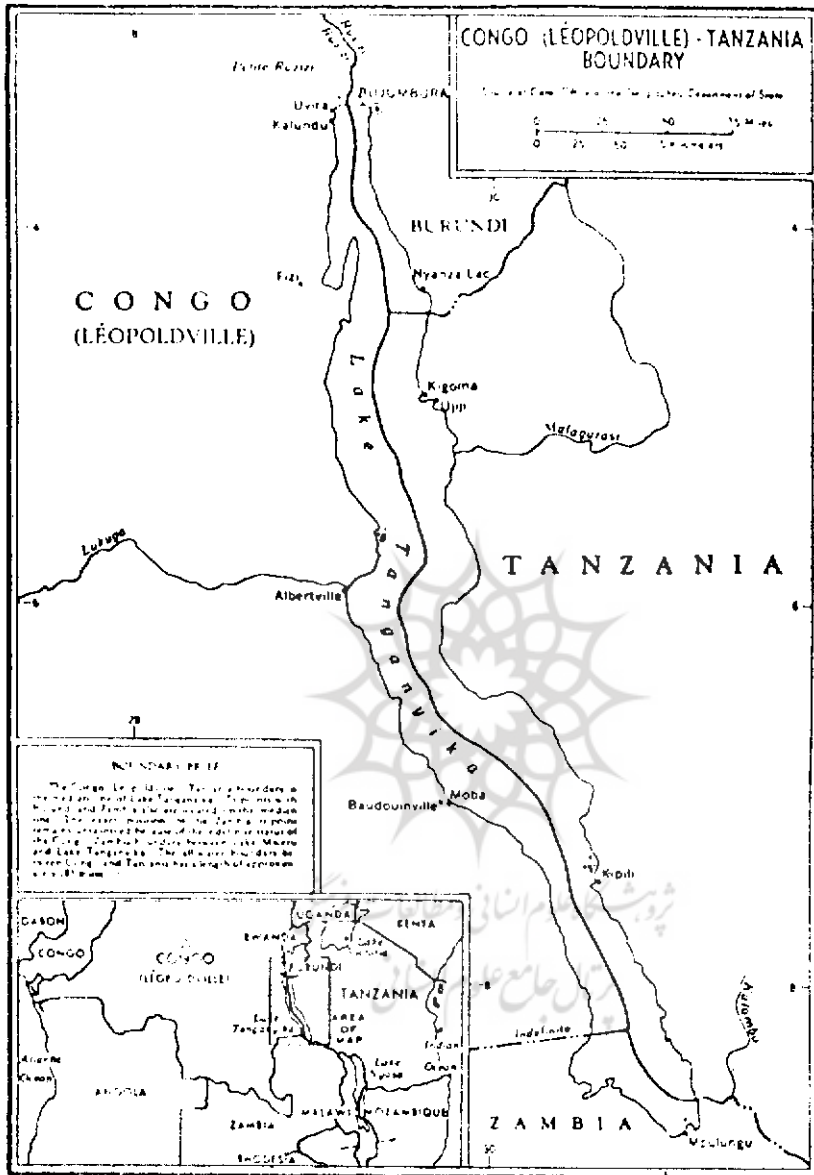
نقشه شماره ۱۵: دریاچه ادوارد

Carte XVI. Le lac Kivu



Source: Office of the Geographer, Department of State, *International Boundary Studies*. Congo (Leopoldville)-Rwanda Boundary, no 52.

نقشه شماره ۱۶: دریاچه کیوو

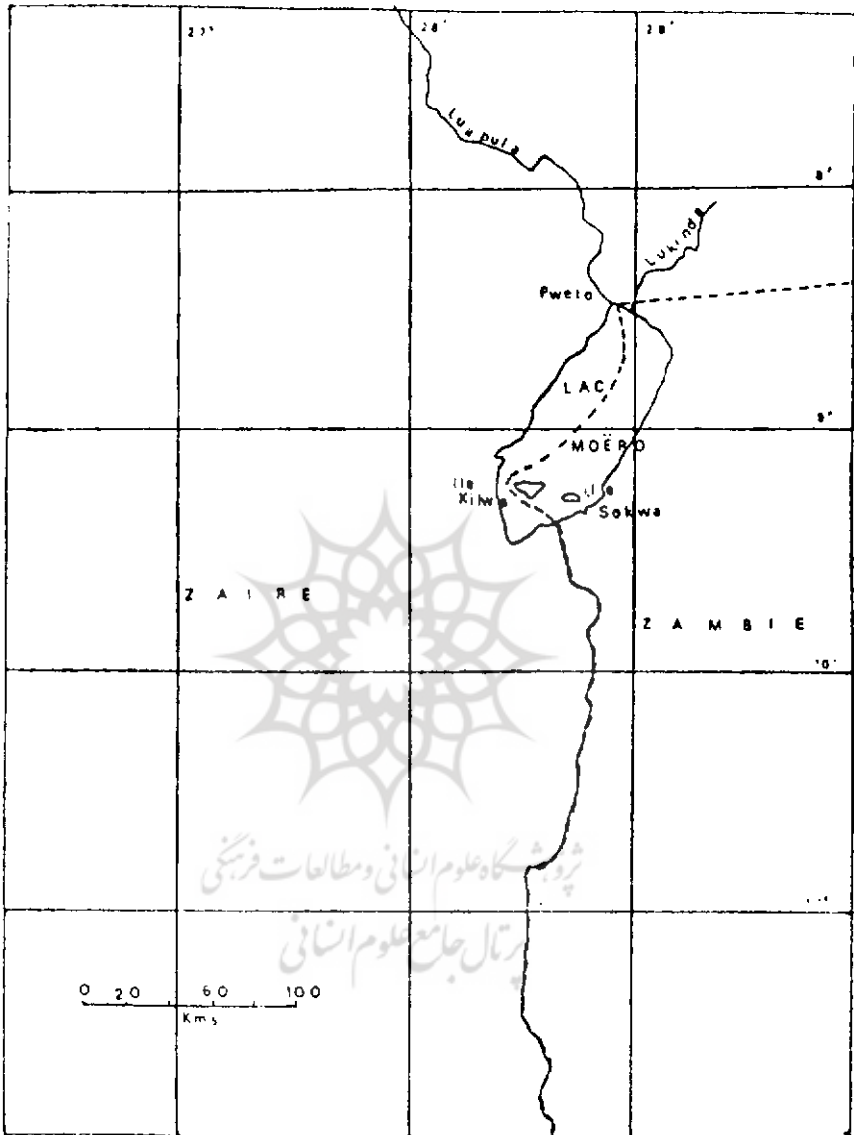


Source: Office of the Geographer, Department of State, *International Boundary Studies*. Congo (Léopoldville)-Tanzania Boundary, no 51.

نقشه شماره ۱۷: دریاچه تانگانیا



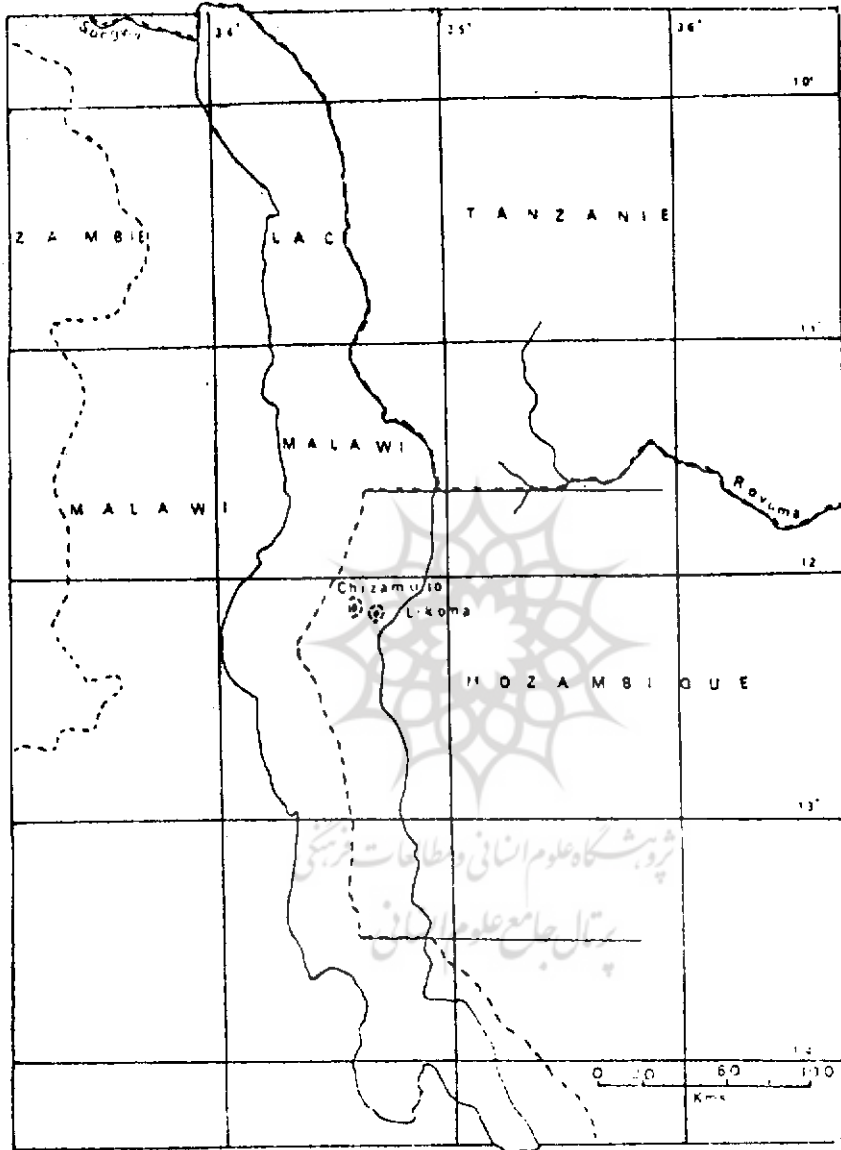
Carte XVIII. Le lac Moëro



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 395.

نقشه شماره ۱۸: دریاچه مویرو

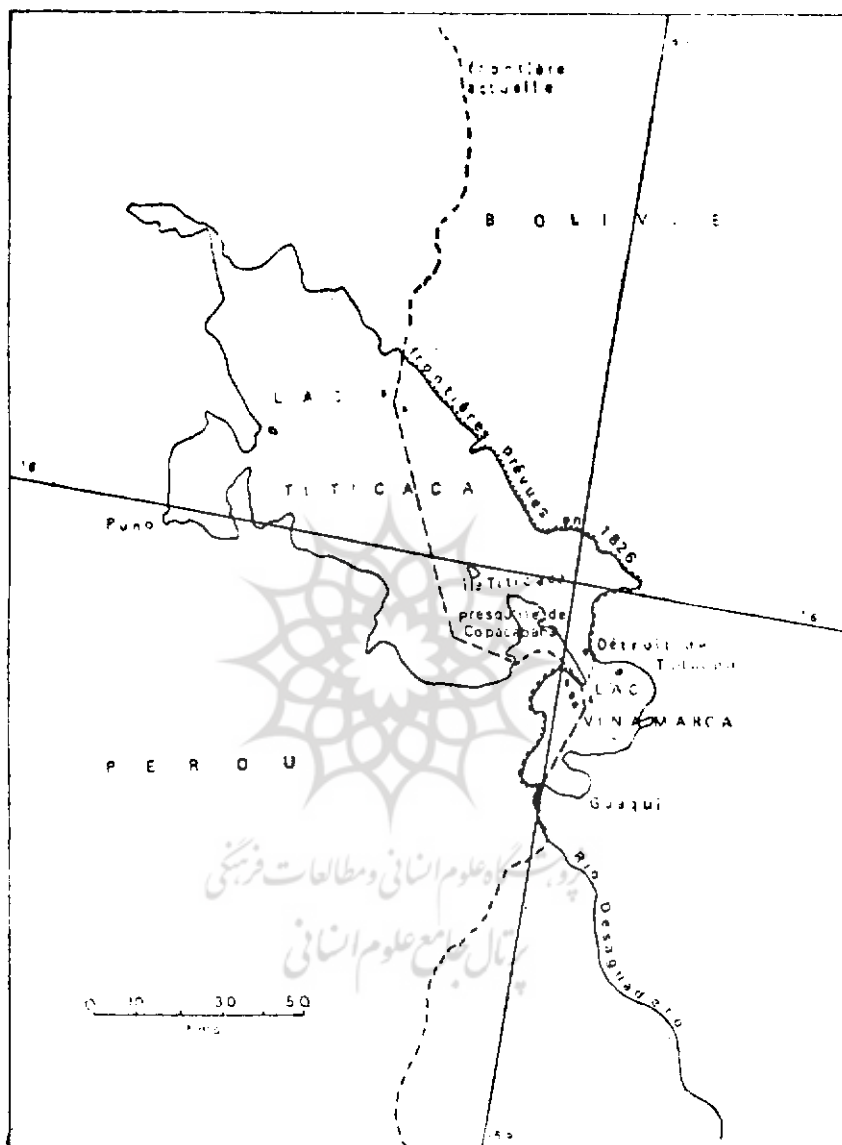
Carte XIX. Le lac Malawi



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 396.

نقشه شماره ۱۹: دریاچه مالوی

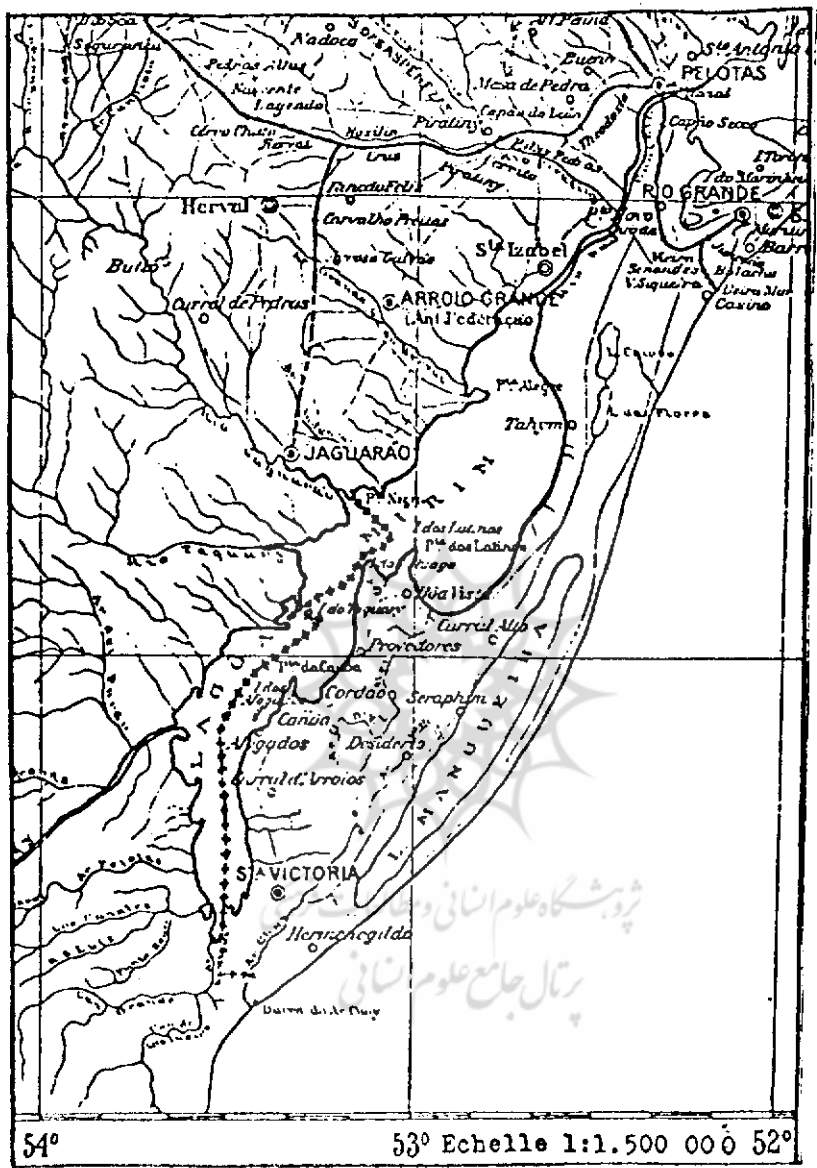
Carte XX. Le lac Titicaca



Source: P. Pondaven, *Les lacs-frontière*, op. cit., p. 403.

نقشه شماره ۲۰: دریاچه تی تی کاکا

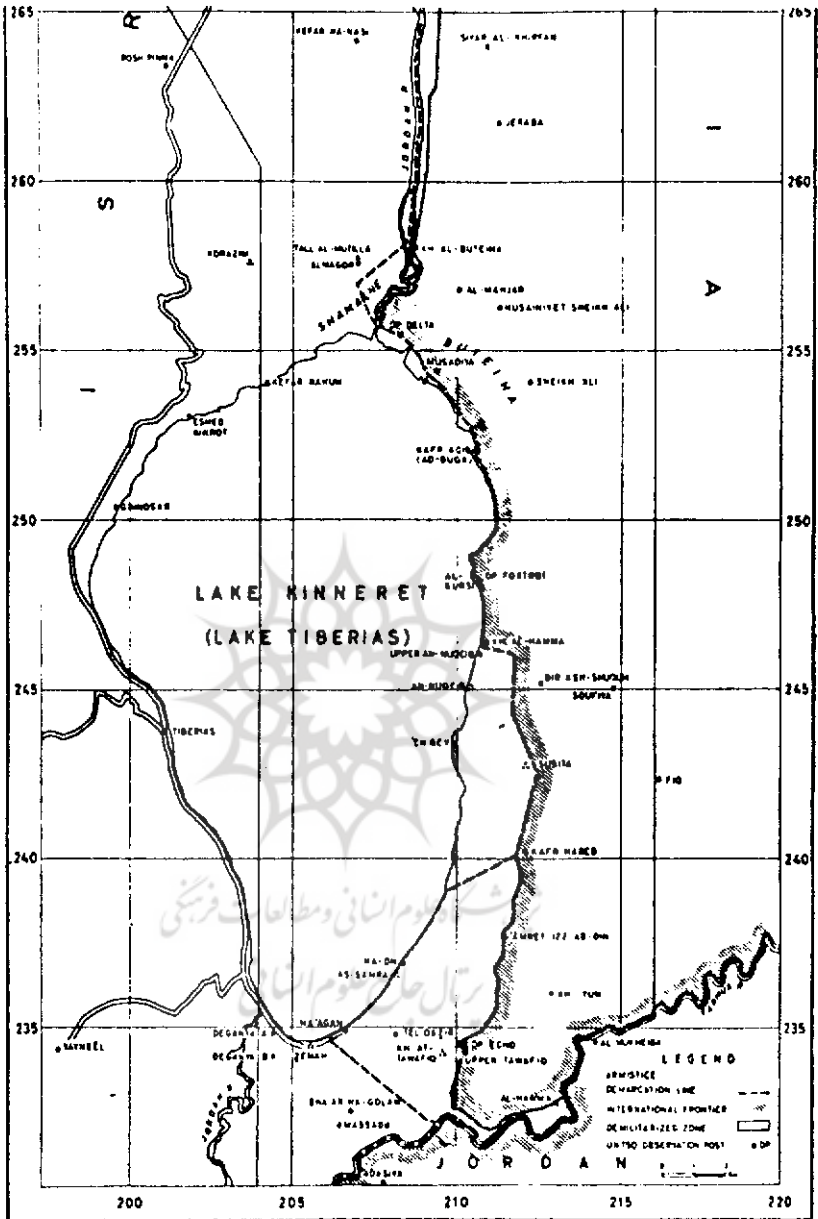
Carte XXI. Le lac Mirim



Source: Carte des Communications de l'Etat de Rio Grande Do Sul, Ministère des communications et des travaux publics du Brésil, 1928.

نقشه شماره ۲۱: دریاچه می‌ریم

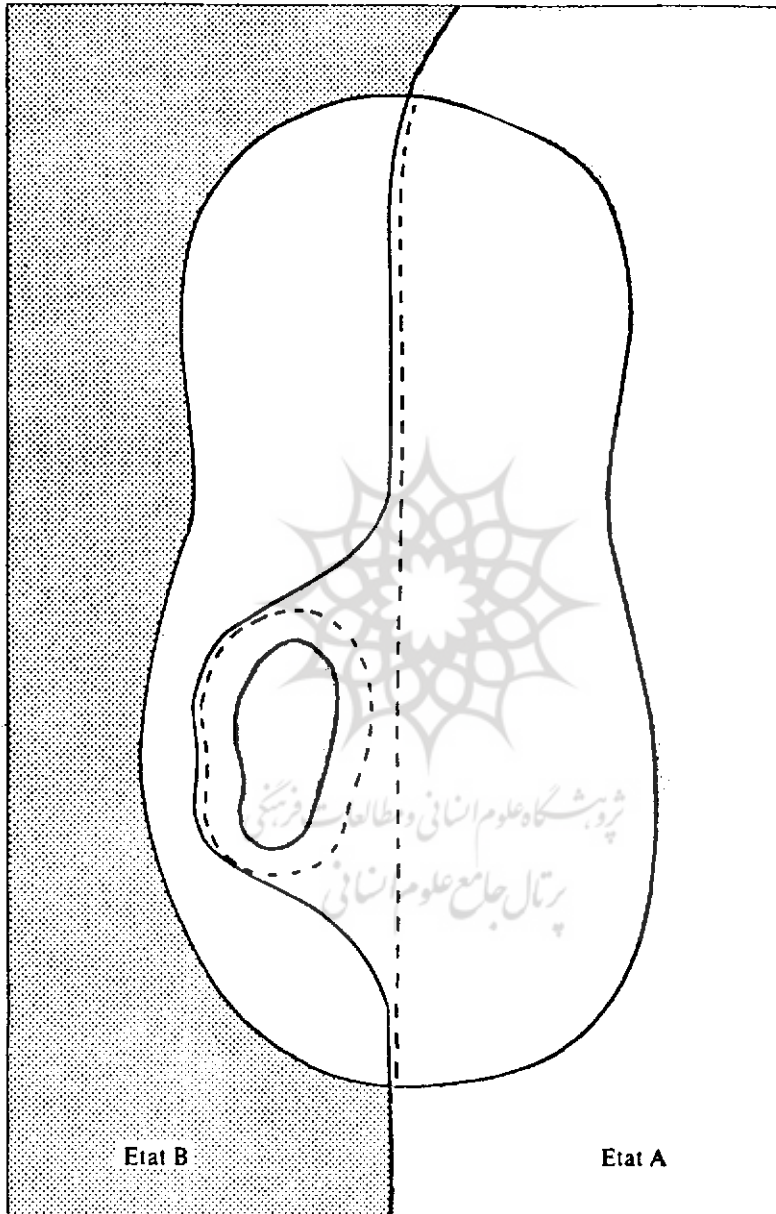
Carte XXII. Le lac de Tibériade



Source: N. Bar-Yaacov, *The Israel-Syrian Armistice: Problems of Implementation, 1949-1966* (Jerusalem: The Magnes Press, 1967).

نقشه شماره ۲۲: دریاچه تیبریاد

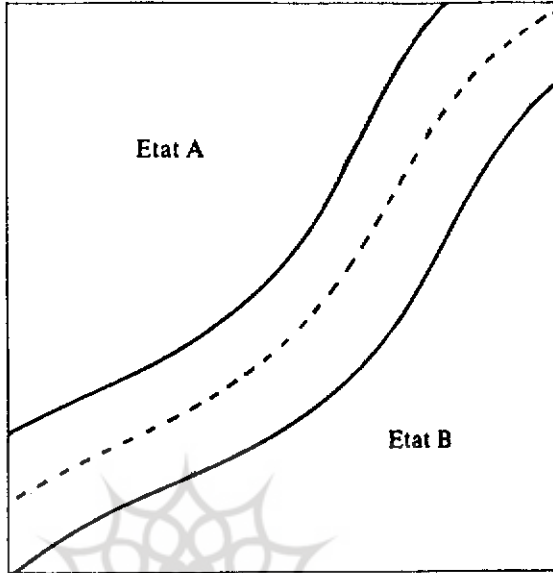
Carte XXIII. Complication du tracé de la ligne médiane due à la présence d'une île appartenant à l'Etat A et située à proximité de la rive de l'Etat B.



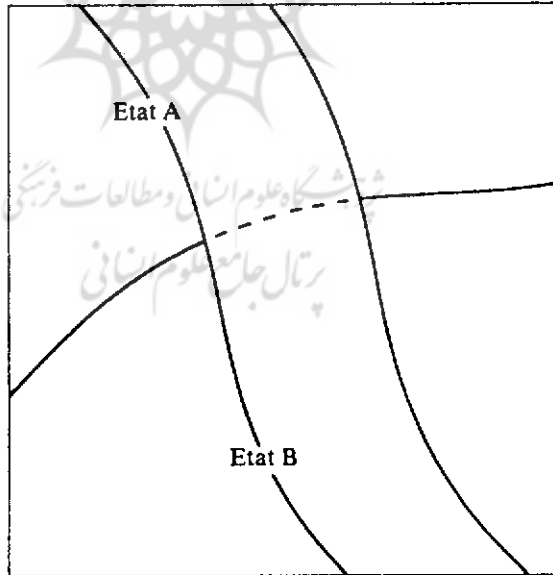
نقشه شماره ۲۳: پیچیدگی خط میانی در صورت وجود جزیره متعلق به دولت الف در نزدیکی ساحل دولت ب

Carte XXIV.

1. Fleuve contigu



2. Fleuve successif



نقشه شماره ۲۳: ۱. رودخانه مجاور

۲. رودخانه پی در پی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی